

# حقوق شہروندی

مجموعہ بیانات مرجع عالیقدر

حضرت آیت اللہ العظمیٰ ہاشمی شاہرودی دام ظلہ

**کلیه حقوق چاپ محفوظ است**

شناسنامه کتاب

نام کتاب: ..... حقوق شهروندی

مؤلف: ..... آیه الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی دام ظلّه

ناشر: ..... بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام

چاپ اول: ..... ۱۳۹۴ / ۱۴۳۶ هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بسمه تعالی

## سخن ناشر

نقش و اهمیت کتاب به عنوان ماندگارترین عنصر فرهنگی و اثرگذاری آن در ایجاد و تغییر و تحول فرهنگ و نگرشها و دیدگاه‌های آحاد یک جامعه بر کسی پوشیده نیست، و به جرأت می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین عامل سازنده فرهنگ اجتماعی نام برد، گرچه امروز رسانه‌های دیداری و شنیداری با حجم انبوه اخبار و اطلاعاتی که بر سر مردم آوار می‌کنند مخاطبان بیشتری دارند، اما هرگز چیزی بر قوه تحلیل و تعقل دوستداران خود نمی‌افزایند، و بسیاری از روانشناسان و پژوهشگران فرهنگ عامه بر این باورند که بینندگان و طرفداران اینگونه رسانه‌ها به تدریج توان به کارگیری قوای عاقله و ناقله خود را از دست داده و پس از مدتی از تحلیل عادی‌ترین اخبار و وقایع در می‌مانند، و در مقابل مطالعه‌کنندگان منابع مکتوب به علت تأثیر خواندن‌های مکرر بر ذهن تبدیل به انسان‌های فهیم و فکور می‌شوند.

بر این اساس مرکز انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم‌السلام

در راستای توسعه علمی فرهنگی به نشر آراء و افکار و راهبردهای حضرت آیه الله العظمی هاشمی شاهرودی دامت برکاته پرداخته و سعی می کند کتاب ارزشمند (صحیفه عدالت) که مجموعه سخنرانی ها و بیانات معظم له در دوره ی تصدی ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی بوده و در ده جلد تنظیم و منتشر شده است را به شکل موضوعی و بر حسب مسائل مورد نیاز جامعه تنظیم و جمع آوری نموده، و با ذکر منابع و با شیوهی متناسبی منتشر کند تا از طریق نشر اندیشه ها و افکار این عالم مجاهد که برخوردار از علم و نگاه عالمانه به مسائل روز با معلومات وسیع فقهی و فرهنگی و تجربه موفق قضائی و مدیریتی می باشند، رسالت خویش را در راستای توسعه علم و فرهنگ اسلامی و ترویج معارف حقه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ایفا کرده، و مشمول عنایات و الطاف ویژه حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان علیه السلام ارواحنا فداه قرار بگیریم، إن شاء الله تعالی.

بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام

## حقوق شهروندی، حقوقی همه‌جانبه

دغدغه‌های رهبری، قانون اساسی، قوانین عادی و بخشنامه‌هایی که صادر شده، نشانگر اهمیت حقوق شهروندی در زوایای مختلف تشکیلات امنیتی و انتظامی است و سعی می‌شود این حقوق مورد تضییع قرار نگیرد. اگر هم به جهت بی‌نظمی، فقدان امکانات و ملزومات رخوتی در احیاء این حقوق دیده شود، مقام رهبری به موضوع توجه نموده و در خصوص آن فرمان و دستور می‌دهد. این امر طبیعت نظام اسلامی ما - که یک نظام مبتنی بر عدالت، کرامت انسان و حفظ حقوق انسان‌ها و شهروندی است - می‌باشد و ماهیت خود را در این می‌بیند که این حقوق را در همه ابعاد حتی بعد اقتصادی ارائه دهد. گاه این تصور به وجود می‌آید که در بعد اقتصادی نیاز نیست به مالکیت‌ها توجه شود، در این هنگام است که مقام رهبری اعلام می‌دارد از مالکیت و سرمایه‌گذاری مشروع باید حمایت شود و حرمت آن حفظ گردد.

باید به این مسائل هم در قوانین مصوب و هم در ساختارهایی که تشکیل می‌دهیم، توجه داشته باشیم تا این حقوق تضييع نشوند. این موضوع نظام قضائی و حاکمیت اسلامی را از دیگر نظام‌ها ممتاز می‌کند. بیش‌ترین ضربه نیز زمانی به نظام اسلامی وارد می‌شود که حاکمان، قضات، مسؤولان و مدیران اجرائی در هر بخشی این حساسیت را از دست بدهند و در ساختارها و تشکیلات تنها به حاکمیت توجه شده و مردم جایگاهی نداشته باشند. اینجاست که قوای مقننه، مجریه و قضائیه باید در رابطه با حفظ حقوق شهروندی به دنبال یک برنامه‌ریزی ویژه باشند و به آن توجه نمایند.

باید این حساسیت ایجاد شود که در کل بدنه قوای حاکمیت اولین چیزی که مدنظر قرار می‌گیرد، حفظ حقوق مردم باشد و فقط به فکر قدرت دستگاه و سازمان قضائی نباشند؛ ولی وقتی تشکیلات، اداره، وزارتخانه، و دادگستری ناخودآگاه ایجاد شود، خود به خود امکانات، قوانین و ملزومات طوری تنظیم می‌گردند که این تشکیلات دارای اختیارات زیادی می‌شوند و هنگامی که تخلفی صورت گیرد، مطلق نگاه کردن به این بخش منجر به تضييع حقوق افراد می‌شود و این خلاف حقوق شهروندی است. باید دقت شود که حقوق مردم حداقل در حد ضروری حفظ گردد.



وقتی قاضی پشت میز قضاوت نشست، باید بداند این سمت را به این دلیل به او داده‌اند که به حقوق مردم رسیدگی کند تا این حقوق تضییع نگردد. وی نباید خود را در مقامی ببیند که مصون از هرگونه اعتراض و اشکال است؛ زیرا این همان قربانی شدن حقوق شهروندی در تشریفات اداری است.

این دید، دید حکومت اسلامی و حاکمیت اسلامی است. این شیوه نگرش، دید حضرت علی علیه السلام بوده است، از این رو باید همه سعی ما در جهت خدمت به مردم با کم‌ترین هزینه و کم‌ترین تشریفات باشد. بسط و توسعه بی‌اندازه ادارات و تشکیلات اداری هزینه‌هایی را در بر دارد که بار آن را مردم متحمل می‌شوند. در این صورت حقوق شهروندی قربانی تشریفات اداری زائد می‌گردد و این موضوع از جمله امتیازاتی است که حاکمیت‌ها برای خود قائل می‌شوند.

پس از آن، دیدگاه‌ها تغییر یافته و حساسیت‌ها نسبت به حقوق مردم از بین می‌رود. باید باور داشته باشیم که حاکم در نظام اسلامی خادم خدا و مردم است. مشخص است که خادم تشریفات خود را بیشتر از مخدوم نمی‌کند؛ چرا که شأنی بالاتر از مخدوم ندارد. مولا علی علیه السلام هنگامی که وارد کوفه شدند، عده‌ای از طاغوتیان که بر مردم حکومت می‌کردند، تشریفات خاصی برای ایشان به راه انداختند. در این زمان حضرت به آنان نهیب زدند و فرمودند که

من مسؤول خدمت به مردم هستم و این ایده و روش را تا پایان زندگی خود حفظ نمودند. حساسیت حفظ حقوق شهروندی در این بخش آشکار می‌شود. هریک از سه قوه در بخشی از بخش‌های کشور باید این احساس را داشته باشند که به‌عنوان خادم مردم، حافظ حقوق شهروندی هستند. در این صورت کرامت انسان‌ها حفظ می‌شود و نظام مقدس جمهوری اسلامی چه در بعد قضائی و چه در بعد اجرائی به‌عنوان یک نظام بی‌نظیر و ممتاز در تمام دنیا مطرح می‌گردد.

#### همه قوا مسؤول حفاظت از حقوق شهروندی‌اند

اگر به قانون اساسی و همچنین قوانین عادی خود و در رأس آن‌ها فرامین امام علیه‌السلام و مقام معظم رهبری نگاه کنیم، می‌بینیم که بارزترین و شاخص‌ترین مطلبی که در لابه‌لای این موارد به چشم می‌خورد، دقت و تأکید بر حقوق انسان‌ها به‌معنای عام آن است و گاه نیز به حقوق شهروندی به‌معنای خاص آن، توجه دارد. در قانون اساسی شاید بیش از ۱۴۰ اصل داشته باشیم که در آن‌ها بحث حقوق مردم، حقوق عمومی، حقوق شهروندی و حقوق عامه مطرح شده‌است. در سال ۱۳۶۱ در فرمان هشت‌ماده‌ای امام علیه‌السلام این مسأله بسیار شفاف و صریح تحت عنوان حقوق انسان‌ها و شهروندی مطرح گردید، به‌خصوص در بعد قضائی که به حق مبنا و پایه همین حقوق شهروندی است.

آن چه در قوانین بعدی، به خصوص در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی شکل گرفت، از روح آن فرمان مبارک اتخاذ شده بود. بنابراین با این نگاه به حقوق شهروندی نگریسته می‌شود که حفظ حقوق مردم در این دایره وسیع تنها در اختصاص دستگاه قضائی نیست و وظیفه همه ارگان‌ها، نهادهای نظام اسلامی و همه قواست و کل جامعه مسؤول حفظ این حقوق می‌باشند.

خوشبختانه نظام جمهوری اسلامی ایران از این جهت مایه افتخار است؛ زیرا یک نظام مذهبی بوده و متکی بر مبنای مکتب‌گراان سنگ اسلام است و در اسلام بحث حقوق و مبانی حقوق اساسی، همه این مسائل را در برمی‌گیرد.

### **حقوق شهروندی نباید در تشریفات اداری، انتظامی، امنیتی و قضایی پایمال شود**

باید مرزی بین عدالت و امنیت وجود داشته باشد، تحت عنوان امنیت، حاکمیت نمی‌تواند حقوق افراد را نادیده بگیرد و عدالت نباید قربانی امنیت شود.

حقوق شهروندی واژه جدیدی در ادبیات حقوق است که دو معنای مطلق حقوق عمومی و یک معنای خاص دارد.

بر اساس معنای محدودتر حقوق شهروندی به معنای حقوقی

است که در رابطه شهروندان با حاکمیت به وجود می‌آید و در این معنا مدیریت باید به گونه‌ای شکل بگیرد که حقوق سلب یا تضییع نشود. حقوق فردی نباید در لابه‌لای تشریفات اداری و تکالیف کلان مدیریت جامعه از بین برود. شاید بیش از ۱۴۰ اصل از قانون اساسی به موضوع حقوق شهروندی مربوط شود اگر به فرمان ۸ ماده‌ای امام علیه السلام در سال ۱۳۶۱ دقت کنیم در این فرمان خیلی شفاف و صریح مسایل اساسی تحت عنوان حقوق شهروندی مطرح شد و قانون حفظ حقوق شهروندی نیز متخذ از روح همین فرمان است.

وقتی دایره کلان و وسیع حقوق شهروندی مطرح می‌شود تنها وظیفه قوه قضاییه نیست بلکه همه قوا باید در این زمینه اقدام کنند. خوشبختانه نظام جمهوری اسلامی ایران از این جهت بسیار افتخارآمیز است چون مکتبی و مبتنی بر اسلام است که حقوق شهروندی در آن اساس همه مسایل است.

بنده متأسف هستم از این‌که به طور کامل نتوانسته‌ایم قانون اساسی را اجرا کنیم، آنچه امروز مشکل کشورهاست اصل عدالت و حقوق نیست بلکه بیشتر چالش و مشکل در اجرای حقوق است، یعنی در مقام اجرا این حقوق تضییع می‌شود. همه این تضییع‌ها نیز به معنای تخلف حاکمیت و مجریان نیست، این یکی از عوامل است و شاید محدودترین آن باشد. مسأله مهم‌تر آن است که در

مقام اجرا به مقررات و ساختارهای مناسب توجه نشده و به این موضوع اولویت داده نشده است.

### **هیچ کس در بازداشت انفرادی نباشد**

من تاکید داشتم کسی در بازداشت انفرادی نباشد، این خلاف آیین نامه است، در خصوص حقوق زندانیان و نحوه رفتار با آنها از ۱۵ بند قانون حقوق شهروندی چند ماده به زندانیان ربط دارد. یکی از کارهای مهم ما در قوه قضاییه این بود که ما تلاش زیادی برای حبس زدایی از قوانین داشتیم. فضای زندان ها را تغییر دادیم بازداشتگاه های زندان انفرادی را باز کردیم من تاکید داشتم کسی در بازداشت انفرادی نباشد حالا برخی انجام می دهند این برخلاف آئین نامه است، زندان، یک مجازات اسلامی نیست، نظر فقهی من این است که زندان یک مجازات ثانوی و محدود در سیستم نظام کیفری اسلامی است و مجازات در سیستم کیفری اسلامی بیشتر مجازات اجتماعی و یا تعزیرات است و در موارد خیلی حاد هم قصاص و اعدام است که فلسفه خود را دارد.

ما در قوانین اسلامی زندان نداریم مگر تنها در ۶ مورد خاص. زندان به عنوان مجازات نیست شاید به عنوان یک اقدام تامینی و تربیتی باشد وقتی به این نتیجه برسیم که اگر کسی بیرون باشد ضررش به دیگران می رسد، حبسش می کنند تا آن جا تربیت شود

یا کودکی را می برند در کانون اصلاح و تربیت اصلاح می کنند. این که یکی را ببرند در اتاقی بایکوت کنند هزینه بدهند کار غلطی است. زندان از موارد طاعت است به نظر من کل زندان هایی که در کشورهای اسلامی در دوران خلفا ایجاد شده است بخاطر خوی طاغوتی حکام جور بوده است که از طاغوت های قبلی خود گرفته اند و ادامه داده اند.

زمان پیامبر ﷺ و زمان امیرالمومنین علیه السلام زندان نبود. برای پول و مال کسی را حبس نمی کردند البته در برابر جرم، و یا دین به دیگران اموالش را می گرفتند. ما متاسفانه در قوانین خود زندان را به عنوان مجازات باز کردیم این با فقه ما نمی خواند ما باید برگردیم به همان مدل های کیفر های تأمینی و اجتماعی و تعزیرات اسلامی. دنیا هم به این طرف می رود البته به این زودی نمی رسد چون طاغوتی است. ما در قوه قضاییه قوانین مختلفی را به مجلس بردیم که کل این زندان ها قابل تغییر باشند یا اصلاً تعطیل شوند. هنوز مجلس خیلی از این لوایح را که ۵ الی ۱۰ سال است، تصویب نکرده است. به هر دلیل اینها هم چنان مسکوت مانده است.

### دین اسلام حافظ حقوق مردم

اسلام آیین و دین الهی است و از این طریق می خواهد حقوق را به بشریت عرضه نماید. اسلام با یک دید باز و وسیع این

حقوق را در همه ابعاد دیده و آنها را مبنا و معیار قرار داده است، چرا که مبنای دین حق و حقوق اطاعت از خداست. مبنای همه دستورها و کار اصلی دین و مکتب‌های توحیدی و الهی همین است که این حقوق را حفظ کند. این حقوق از ابتدای زندگی انسان برای وی ترسیم شده و به او تعلیم داده می‌شود و او را معتقد می‌کند تا یقین بیاورد و باور کند.

#### **قانون اساسی حافظ حقوق شهروندی**

قانون اساسی یکی از افتخارات نظام جمهوری اسلامی است و بیش از همه ی قوانین این حقوق را ترسیم کرده است در قوانین عادی به مسائل زیادی تحت عنوان توسعه و توضیح آن حقوق اشاره شده که می‌توان آن‌ها را با آنچه که در دنیای امروز هست تطبیق داد، آن‌گاه عظمت و ارزش این قانون اساسی و میثاق ملی ما در مقایسه با قوانین اساسی دیگر کشورهای دنیا مشخص می‌شود. ما در این زمینه هنوز نتوانستیم قانون اساسی را به‌طور صحیح توضیح دهیم. با وجود اینکه کارها در خور توجه و مشروحاتی هم نوشته شده است؛ ولی به نظر من در حد سطح و عمق این قانون اساسی و میثاق ملی نیست. انسان از راه قوانین (به‌خصوص قانون اساسی) می‌تواند ارزش‌هایی را که یک جامعه برای آن شکل می‌گیرد و تشکیل می‌شود، مشخص کند.

حقوقی که در قانون اساسی آمده، همان حقوقی است که مورد قبول اسلام می‌باشد و امروزه در بسیاری از مجامع حقوقی و نظام‌های اجتماعی دنیا اصل آن پذیرفته شده است و به‌عنوان حقوق شهروندی، حقوق عامه افراد یا هر عنوان دیگری مورد قبول واقع گردیده و کلیت آن مورد اشکال قرار نگرفته است. بلکه آنچه که مشکل امروز کشورهاست از قبل وجود داشته و اختلافی در اصل این عدالت و حقوق نیست؛ گرچه در مقدار و نوعش اختلاف زیادی وجود دارد و بیش‌ترین مشکل و چالش در مقام اجرا است به این معنا که این حقوق در مقام اجرا در جامعه تضييع می‌شوند.

**ساختارهای قضائی، انتظامی و امنیتی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود و شکل گیرد که حقوق شهروندی را در جامعه تضمین کند**

البته تضييع شدن این حقوق نیز علت‌های گوناگونی دارد و فقط مربوط به این نیست عنوان احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تصویب شده، همچنین در بخشنامه‌های دیگر مجموعه‌ای از عناوین مهم را دیده‌ام که می‌توان آنها را تحت عنوان حقوق شهروندی مورد رعایت و حمایت نظام قضائی و حقوقی جمهوری اسلامی به دنیا ارائه داد. قوانین ما به‌گونه‌ای تدوین می‌شود که این حقوق را بیشتر تضمین می‌کند. ساختارهای قضائی، انتظامی و امنیتی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود و شکل گیرد که این حقوق را در جامعه تضمین کند.



رویه‌های قضائی، تشریفات اجرائی، تشکیلات و نهادهایی که تشکیل می‌دهیم، باید به گونه‌ای باشند که این موارد را رعایت کنند و برای جامعه حفظ نمایند و در این صورت نظام ما نظام موفقیتی در حفظ حقوق شهروندی هم به معنای خاص و هم به معنای عام خواهد شد.

### **ممنوعیت شکنجه**

در مورد برخی اقدامات که از نظر حقوقی و قانونی این کارها مصداق شکنجه است، ولی مسلماً برخی از این کارها جرم می‌باشد و من در ملاقات با نیروهای انتظامی و امنیتی بارها تأکید کردم که این کارها غلط است و نیازی به آن‌ها نیست. اخیراً هم چون دیدم که شاید این کارها عادت شده و کم‌تر به توصیه‌های ما توجه می‌شود، از رئیس سازمان زندان‌ها خواستم که همه زندان‌های انفرادی را تخریب کند و آن‌ها را به صورت اتاق‌های بزرگ با شرایط و امکانات لازم درآورد که این کار هم شروع شده و شاید خبر آن را در رسانه‌ها دیده‌اید.

این توصیه شخصی من بود به سازمان زندان‌ها که عملی شد، ولی برای اصلاح کیفیت بازجویی و محل زندان و کیفیت برخورد، باید از طریق لایحه یا طرح در مجلس اقدام شود و به صورت قانون درآید.

ما همواره مدافع این گونه امور بوده‌ایم، همکاران من در دستگاه قضایی می‌دانند که چقدر من نسبت به رفتار نیروهای انتظامی و امنیتی و قضایی دغدغه خاطر دارم و بارها گفته‌ام که برخوردهای خشن، غلط و واقعاً خلاف قانون است. به معاونت آموزش گفتم که در دوره کارآموزی قضات جدیدالورود، کارآموزان را دو سه شبی به زندان ببرند تا زندانی را که فردا می‌خواهند افرادی را با قرار تأمین به آنجا بفرستند، از نزدیک ببینند و طعم آن را بچشند و بدانند به کسی که یک شب یا دو شب در بازداشتگاه بماند چه می‌گذرد، و هر گاه در مسند قضاوت نشستند، دستشان به سرعت به صدور حکم بازداشت و زندان نرود. نیروهای انتظامی و امنیتی هم چون سر و کارشان با این قبیل کارهاست، بازداشت افراد برایشان عادی شده است. ما در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که در اختیار خودمان بود و بنخشنامه‌هایی که صادر کرده‌ایم - شاید بیشترین بنخشنامه‌هایی که از طرف ما صادر شده در خصوص زندان و رفتار با زندانیان بوده است - سعی در زندان‌زدایی داشتیم<sup>(۱)</sup>.

### اصل دفاع متهم از خود

چه لزومی دارد وقتی متهم بازجویی می‌شود، چشم‌های او بسته باشد؟ در پرونده‌هایی که با چشم باز بازجویی کردیم، خیلی بهتر

---

۱ - سخنرانی در جمع نمایندگان تشکل‌های دانشجویی تاریخ ۸۲/۹/۱

به ثمر رسید و خیلی بهتر جرم کشف شد تا پرونده‌هایی که متهم را چشم بسته و با خشونت بازجویی کردند که نتیجه برعکس داد و پرونده از داسرا گرفته و به تخلفات انتظامی داده شد و تمام زحمات داسرا هدر رفت. دستگاه قضایی و نظام با این اقتداری که دارد، نیاز ندارد به این شیوه‌ها متوسل شود. اینها واقعا اقتدار نیست، هر که خیال می‌کند اقتدار قاضی و دستگاه قضایی در چشم بستن و بازجویی شبانه کردن و این قبیل برخوردهاست، در اشتباه فاحشی است<sup>(۱)</sup>. این رفتارها نه نشان اقتدار نظام و قوه قضائیه و نه اقتدار قاضی است. اقتدار به این است که قاضی حکمش را به حق صادر کند ولو علیه بالاترین مقام کشور باشد. اقتدار این است که قاضی نشان بدهد در اجرای عدالت از احدی نمی‌ترسد و تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. اینها اقتدار است که بحمدالله در قوه قضائیه هست.

اقتدار و استقلالی که قانون اساسی ما به قوه قضائیه داده است، در هیچ جای دنیا نیست. قوه قضائیه در هر کشوری بالاخره به شکلی تحت تأثیر قوه مقننه یا قوه مجریه است، تنها در نظام ماست که قوه قضائیه استقلال مطلق از دو قوه دیگر دارد. قوه قضائیه این همه اقتدار دارد، آن وقت آقایان این را رها کرده‌اند و به بگیر و ببندهای ظاهری چسبیده‌اند که مثلاً در یک دعوی مالک و مستأجر، متهم را با توپ و تشر و چشم‌بند و دست‌بند بگیرند!

---

۱ - سخنرانی در جلسه شورای معاونین دادگستری تهران ، ۸۲/۹/۱۲

حالا اگر ضابط از این کار خوشش می‌آید، دستگاه قضایی  
نبایستی اجازه بدهد<sup>(۱)</sup>. آقایان مدیران عزیز قوه قضائیه بنشینند و  
برای اصلاح این رفتارها چاره‌ای بیندیشند. چه کسی گفته است  
دست دادرس و بازپرس و بازجو این قدر باز باشد که منجر شود  
به همین پرونده‌هایی که دیدید چه بدنامی‌هایی را برای نظام و قوه  
قضائیه به بار آورد؟ این دست‌ها را ببندید و قانونمند کنید.

### حق دفاع طرفین دعوا

باید حق دفاع به طرفین دعوا داده شود. بسیاری در این  
دیدارهای مردمی گفته‌اند که اصلاً زمان جلسه دادرسی به من ابلاغ  
نشده است، من یک بار هم در دادگاه حاضر نشده‌ام. قاضی چرا  
این کار را کرده است؟ اصلاً نباید دادگاه بدون حضور طرفین  
منعقد شود. قاضی بایستی نشان بدهد که به دنبال حق و عدالت  
است حتی اگر علیه حاکمیت باشد. نه اینکه تا یک گزارش از یک  
دستگاه حکومتی آمد، بگوید حق با این است و اصلاً به طرف آن  
اجازه دفاع ندهد. برعکس، قاضی در اینجا بایستی طرف ضعیف  
را بگیرد، مگر اینکه برایش قطعی شود که محق نیست. باید ارباب  
رجوع احساس کنند که قاضی در پی حق است و جانب طرف قوی  
را نمی‌گیرد.

---

۱ - سخنرانی در جلسه شورای معاونین دادگستری تهران، تاریخ ۸۲/۹/۱۲

البته مسایل امنیتی و جرایم سازمان یافته را بایستی جدا کرد، خود مردم در این موارد می‌خواهند که خیلی سخت برخورد شود و از دستگاه قضایی جدیت و قاطعیت و شدت عمل می‌خواهند. ولی نباید همه موارد را یکسان ببینیم، متأسفانه روش برخورد با همه ارباب رجوع یکسان شده است. همان رفتاری که با متهمان مسایل امنیتی و جرایم سازمان یافته می‌شود، با متهم یک جرم جزئی و یا مدیون چک و مسایل حقوقی مالک مستأجر نیز همان گونه رفتار می‌شود. موارد فرضی نیست، مصادیق آن‌ها را در پرونده‌ها دیده‌ام. شاید هیچ یک از شما به اندازه من در این پنج شش سال، پرونده ندیده است. در پرونده‌های فساد اقتصادی، با آلبوم عکس متهم چکار دارید، به اتاق خواب او چکار دارید<sup>(۱)</sup>؟

آقایان این موارد را از هم جدا کنند، بسیاری از اینها کارهای مدیریتی است و تدابیر اجرایی است که باید مدیران بر آن اشراف داشته باشند. نظارت همه جانبه مدیران بر زیرمجموعه خودشان ضروری است، ببینید این قاضی چگونه دارد قضاوت می‌کند، آیا به طرفین دعوا یک طور نگاه می‌کند، آیا کرامت آنان را حفظ می‌کند، آیا مدیر دفتر اعمال غرض می‌کند؟

---

۱ - دیدار با مسئولان قضایی و قضات استان زنجان ، ۸۴/۳/۱۹

## حقوق شهروندی حاشیه نشینان<sup>(۱)</sup>

مشکل حاشیه‌نشینی تنها این نیست که بخشی از حاشیه یک کلان‌شهر وضع ناهنجاری دارد و بزهکاری و جرایم گوناگونی در آن شیوع دارد، بلکه علاوه بر این، منشأ شیوع جرم و ناهنجاری در بخش غیر حاشیه‌نشین شهرها نیز خواهد شد. حاشیه‌نشین‌ها اثرات بسیار زیان‌باری در همه ابعاد جامعه دارند، هم اثرات زیان‌بار اقتصادی دارند و جایگاه روابط اقتصادی زیرزمینی مانند قاچاق و پولشویی هستند، هم پایگاه بزهکاری‌های اجتماعی و اخلاقی و فساد فرهنگی در جامعه‌اند. ممکن است بستر تشکیل مافیاهای بحران‌زایی در کشور شوند. تبهکارانی که درآمدهای کلانی هم دارند از همین حاشیه‌نشینان استفاده می‌کنند و شبکه‌های سازمان یافته قاچاق مواد مخدر و آدم‌ربایی و مفسد گوناگونی را به وجود می‌آورند و امنیت عمومی را مختل می‌کنند و بحران می‌آفرینند. لذا هم دستگاه قضایی باید با حساسیت بسیار و اولویت درجه اول به این قبیل مسایل نگاه کند و هم دستگاه‌های اجرایی.

طبق قانون اساسی، از حقوق شهروندی این حاشیه‌نشینان و نیز تکلیف شرعی ماست که حداقل زندگی را برای آن‌ها تأمین کنیم. این هموطنان را که نمی‌شود نابود کرد، باید آن‌ها را از این حالت

---

۱ - سخنرانی در همایش حاشیه‌نشینی و امنیت قضایی ۸۴/۴/۴

بیرون آورد، منطقه مناسبی را برای سکونت آن هاتعیین کرد و آن ها را مجبور به ترک آلونکها و سکونت در آنجا کرد. حداقل امکانات زندگی به آن هاداده شود، دست کم هزینه ساخت همین آلونکی که اینجا از آن ها گرفته شده به آن ها داده شود تا بتوانند زندگی خودشان را در آنجا شروع کنند. سپس در این شهرکهای - ولو فقیرنشین - نوبنیاد همه جوانب امنیتی و فرهنگی و اجتماعی لازم در نظر گرفته شود. این طرحی که عرض کردم شاید یک فکر ابتدایی باشد، ولی می توان آن را پخته و تکمیل کرد.

#### ضعف در مراحل جلب و بازجویی و تحقیقات

حفظ حقوق شهروندی چه در بخش حقوقی و چه در بخش کیفری، در همه مراحل تشکیل و رسیدگی لازم است ولی متأسفانه ما در مراحل جلب و بازجویی و تحقیقات، مشکلات زیادی داریم، سیر امور در موارد بسیاری بر خلاف حقوق اسلامی است. ضابط قضایی، دادیار و دادستان، باید واقعاً خودشان و زیرمجموعه شان را مقید کنند به اینکه آداب و احکام قضای اسلامی و حفظ حقوق شهروندی را در مراحل جلب و بازجویی، احیا و نهادینه کنند. روایات زیادی هست که هر گونه گرفتن اقرار با زور و شکنجه حجت نیست، لا اقرار مع التجلید، اگر شلاق زدی که اقرار بگیری، این دیگر اقرار نیست و حجیت ندارد. این عین متن روایات است.

اصلاً نظام قضایی در فقه ما دنبال روش‌های علمی در تحقیق و بازجویی است، حتی نظر شخصی من این است که تکیه کردن بر علم حدسی قاضی از نظر فقهی مورد قبول نیست. اینکه قاضی بگوید من خودم علم پیدا کردم، بدون هیچ قرینه و مدرکی که به دیگران نیز نشان بدهد که برای آنان هم علم‌آور باشد، حجت نیست. در بحثی در خدمت رهبری بودیم، ایشان هم فرمودند که نظرشان همین است، چون استناد قاضی به این علم خود، اتهام‌انگیز است. علم در اینجا طریقی نیست، موضوعی است، شارع این علم را در قضاوت حجت نکرده است. حالا اینها بحث‌های فقهی و طلبگی است که در جای خود باید به‌آن‌ها پرداخت.<sup>(۱)</sup> اگر همه این امور اصلاح شود، ما دارای یک نظام قضایی بشرگرایانه و مقید و حافظ حقوق و کرامت انسان‌ها خواهیم بود. بسیاری از بنخشنامه‌هایی که صادر شده و اقداماتی که انجام گرفته و لوایحی که تصویب شده، همه در این جهت بود است. اینها همه در اسلام آمده و خیلی دقیق هم آمده، ولی ما آن‌ها را در قالب قانون نهادینه نکردیم و ساختاری برای اجرای آن‌ها درست نکردیم.

### لزوم جبران ضرر و زیان در صورت خطای مقام قضایی

کسانی که در اثر خطای قضایی ضرر و زیان می‌بینند، دستگاه

---

۱- ر. ک. مقاله «علم قاضی» مجله فقه اهل بیت. شماره‌های ۸ و ۹



قضایی و دستگاه اجرایی کشور باید حقوق این افراد را محترم شمرده و این زیان را به هر صورت که ممکن است جبران کنند.

### ضرورت اهتمام به حفظ مالکیت خصوصی

چطور وقتی در رسیدگی به پرونده‌ای، ملک کسی توقیف می‌شود، سریع به اجرا درمی‌آید، ولی وقتی معلوم می‌شود که این اشتباه بوده و حالا می‌خواهد وثیقه‌اش را پس بگیرد، وثیقه‌اش را به او نمی‌دهند، می‌گویند به خزانه دولت رفت و قابل برگشت نیست. مگر این حق شخصی محترم نیست، مگر مالکیت اموال فقط برای اموالی که مربوط به دولت است، محترم است؟ متأسفانه این وضع در خارج از قوه قضائیه هم هست، در موارد بسیاری، دولت هم حق مالکیت افراد را رعایت نمی‌کند.

هیئتی که برای آشنایی با نظام قضایی ژاپن به آن کشور فرستاده بودیم، نقل می‌کردند که در آنجا شرکت مترو به صاحبان خانه‌هایی که مترو از زیر آن‌ها رد شده، اجاره می‌دهد، یعنی مالکیت آن‌ها حتی بر اعماق زمینی که از زیر خانه آن‌ها می‌گذرد نیز محترم است. فرودگاه عظیمی در توکیو یا در یکی از شهرهای آنجا تأسیس کرده بودند و خیلی هم سرمایه‌گذاری کرده بودند، ساخت آن پنج سال است تمام شده و هنوز این فرودگاه افتتاح نشده بود؛ چون یک تکه زمین آنجا مال پیرزنی بود و او زمینش را نمی‌فروخت.

حقوق شخصی مردم در آنجا این قدر محترم است. اینها همان احکام اسلام است که آن‌ها به آن عمل می‌کنند، آیا شهرداران ما یا دستگاه قضایی ما هم اینطور عمل می‌کنند و این قدر به مالکیت خصوصی احترام می‌گذارند؟ وقتی به حرمت مالکیت خصوصی مشروع، معتقدیم، باید از آن حمایت کنیم و این را به عنوان فرهنگ در تمام قوانین اجرایی و قضایی رعایت کنیم. ما اصلش را قبول کردیم، قانونش را داریم، مبنای فقهی‌اش را هم داریم و شعارش را هم خیلی جاها می‌دهیم، ولی متأسفانه در دستورالعمل‌ها به این حقوق کم توجهی می‌شود.

### **لزوم حفظ کرامت انسان‌ها**

اسلام به کرامت انسان‌ها و حقوق شهروندی بسیار اهمیت داده و آن را اصل دانسته است. محور اصلی اصول توسعه قضایی این است که ما این اصل را در درون دستگاه قضایی و نیز دیگر بخش‌های حاکمیت نظام و هم برای مردم، فرهنگ کنیم. البته این بدان معنا نیست که با جرایم و مجرمان برخورد قانونی نشود.

مسئولیت اصلی دستگاه قضایی این است که حقوق مردم را حفظ کند، همان که در قانون اساسی با عناوینی چون احقاق حقوق عامه، گسترش عدل، حل و فصل مشکلات مردم، اصلاح مجرمین و پیشگیری از جرم آمده است. در اصول مختلف قانون اساسی

حدود صد مورد از این حقوق عامه احصا شده است. دستگاه قضایی - طبق صریح قانون اساسی - مسئول احقاق این حقوق است.

اولین حق از حقوق مردم، حفظ کرامت انسان‌ها و حقوق شهروندی آنان است. قاضی را نیاوردند که خدمت به حکومت کند، آوردند - طبق صریح قانون اساسی - که خدمت به مردم کند. طبق صریح قانون اساسی، گسترش عدل، احیای حقوق عامه - و نه فقط احیای حقوق دولت - اصلاح مجرمین، اصلاح جامعه، ایجاد امنیت در جامعه، پیشگیری از جرم، یعنی سالم‌سازی جامعه، هدف‌های دستگاه قضایی و قضات است. پس بایستی به حقوق مردم توجه کنیم، خیلی وقت‌ها این حقوق مردم از طرف دولت سلب می‌شود، قاضی باید این حقوق را از حلقوم دولت بکشد و به مردم بدهد.

اما عکس آن مشاهده می‌شود، هر جا یک طرف دعوا دستگاه دولتی باشد، حق دولت را تا آخر می‌گیریم، اگر وام باشد، وام را می‌گیریم، بهره‌اش را می‌گیریم، دیرکردش را هم می‌گیریم، ولی وقتی برعکس باشد، مال کسی نزد دولت باشد، خیلی هم زور بزند همان اصل پولش را هم به زحمت می‌تواند برگرداند. البته بخشی از این وضع، تقصیر مقررات و قوانین است، ولی قاضی بایستی روح عدالت را دنبال کند، نه صورت قانون را. دادگاه از

کسی وثیقه می‌گیرد که فلان کس را حاضر کند، اگر یک روز تأخیر کرد، وثیقه ضبط و به خزانه دولت، واریز می‌شود. مگر این از حقوق مردم نیست، مگر این ملکیت محترم نیست؟ شهرداری می‌خواهد جایی را خراب کند، با کمک دستگاه قضایی، صاحب ملک را آن قدر در تنگنا قرار می‌دهد تا بالاخره ملک او را به قیمت نازلی بخرد. در جایی مثلاً عرض جاده یا خیابان سی متر است، اما صد و سی متر از زمین‌های مردم را گرفته‌اند و ساختمان ساخته‌اند و دهها برابر قیمت زمین به خود همان مردم می‌فروشند. آیا این حفظ حقوق مردم است؟ در کشور ژاپن، مترو از زیر هر ساختمان مسکونی رد شده است، اجاره ماهانه یا سالانه به صاحب آن ساختمان می‌دهند. در فقه ما هم آمده است که مالک یک قطعه زمینی مالک فضای بالای آن و عمق زیر آن هم هست، ولی تا به حال هیچ فکر کردیم یک قانون برای آن بنویسیم؟

اگر مترو از زیر خانه کسی رد می‌شود اجاره‌اش را بدهند یا لااقل اجاره‌اش را بگیرند. در اسلام مگر فقط مالکیت دولت محترم است؟ شهرداری می‌خواهد در جایی ساختمان بسازد، چندین برابر پول آن را از مردم درمی‌آورد، این که دزدی از مردم است. قاضی بایست به این گونه حقوق مردم توجه داشته باشد. این حقوق در قانون اساسی ما آمده است ولی به آن توجه نمی‌کنیم.

باز هم تکرار می‌کنم یکی دیگر از دیدگاه‌های مؤثر در رفتار قضات، حرمت‌گذاری به مردم و کرامت آنان است. بیشترین شکایت مردم از محاکم، تندخویی، بدبرخوردی، گوش نکردن به صحبت، اجازه حرف زدن ندادن و این قبیل بدرفتاری‌هاست. ارباب رجوع ما احساس می‌کنند که در دادگاه هیچ حرمتی ندارند و با آنان بد برخورد می‌شود. این دید در دستگاه‌های قضایی بایستی عوض شود. قاضی باید خودش را خادم مردم بداند، اصلاً حقوقی که می‌گیرد برای این است که حق مردم را حفظ کند.

مردم حق دادرسی دارند، این حق رعیت بر حاکم است، حاکم موظف است اقامه دادخواهی او را گوش کند. اگر بد برخورد شود، این حق او تضییع شده است، این حقوقی هم که به قاضی داده می‌شود در مقابل این حق است، اگر آن حق را اجرا نکنید، حقوقی که می‌گیرید شبهه‌ناک می‌شود. مراجعه کننده‌ای هم که سر و صدایی می‌کند، قطعاً مشکلی دارد، چرا با او تندخویی می‌شود، چرا از دادگاه بیرونش می‌کنید؟ تازه بایستی با ترحم با عطفوت به او نگاه شود که بتواند آرامش پیدا کند. اینها حق مردم است. همین مقررات ماست که اینها را به این فلاکت کشانده، اگر این ممنوعیت‌ها و این مقررات نادرست نبود غالباً این مشکلات برای مردم نبود. متأسفانه در جایی که قاضی باید تند برخورد کند، نمی‌کند، آن وقت با افراد درجه ۲ و ۳ آن طور برخورد می‌کند. در اکثر گزارش‌ها از تندخویی قضات شکایت شده است.

قاضی پلیس نیست، شاید وظیفه پلیس مقتضی شدت عمل و تندخویی باشد و با عینک بدبینی نگاه کند، اما قاضی باید با عینک واقع‌بینی و شفاف نگاه کند و اصل را بر براءت بگذارد. نه تنها هر متهمی بلکه هر مجرمی هم حق حرمت و کرامتش محفوظ است، این حق جداگانه‌ای است و ربطی به محکومیتش ندارد، این حق چرا سلب شود؟ می‌بینیم در هر شعبه‌ای یک مأمور نیروی انتظامی دم در گذاشته‌اند، قاضی می‌خواهد با زور این پلیس جایگاه خوش را مثلاً حفظ کند، در حالی که قاضی باید حرمت و جایگاه خودش را با اخلاق و متانت خودش حفظ کند. اگر قاضی حرمت و کرامت طرفین دعوا را حفظ کند و آن‌ها احساس کنند قاضی می‌خواهد حقشان را بدهد، آن وقت، طرفین دعوا، خود به خود به این قاضی احترام می‌گذارند.

اینها آن دیدگاه‌ها و سیاست‌های اصولی و اساسی قضایی است که در متن اسلام هم هست، در اسلام بیشتر از دنیای غرب به حقوق شهروندی و حقوق مردمی اهمیت داده شده است. آداب‌القضا را بخوانید، قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام را ببینید. تا این فرهنگ احیا نشود وضع همین خواهد بود.

پرونده‌ای است که هر وقت یادم می‌آید، تکان می‌خورم، دو برادر، پرونده حقوقی داشتند، پانزده سال با هم کار می‌کردند، اختلافی میان آن‌ها ایجاد شده بود به دادگاه مراجعه کردند. قاضی، وجه کیفری

به پرونده داد، یکی از طرفین دعوا که استاد دانشگاه هم بود درشتی کرده و به قاضی گفت تو داری چکار می‌کنی، این پرونده حقوقی است و اصلاً وجه کیفری ندارد. قاضی جوان که متأسفانه روحانی نیز بود، به مأمور نیروی انتظامی دستور داد که همان جا دستبند به این استاد دانشگاه بزنند و او را به نرده‌های راه‌پله ببندند تا ساعت ۲، بعد بفرستند زندان! آیا این قضاوت اسلامی است؟ شخصیت یک استاد دانشگاه را برای یک پرونده حقوقی و اختلاف مالی با برادرش، این جوری خورد می‌کنند؟ آیا این انسان حرمت ندارد؟ در روایت ما آمده که حرمت مؤمن مانند حرمت کعبه است. بنده آن قاضی را خواستم و به خاطر همین پرونده اخراجش کردم. گفتم اصلاً تو را نمی‌توانم ببینم، تو هم روحانی هستی، هم قاضی، هر دو صفت اقتضا می‌کرد این کار را نکنی، چرا این کار را کردی؟ وقتی این فرهنگ حرمت انسان در بدنه دستگاه قضایی وجود نداشته باشد، کار به اینجا می‌کشد. در دستگاه قضایی بایستی آن رفتار اسلامی که در آداب‌القضاء آمده، فرهنگ شود<sup>(۱)</sup>.

### رعایت حقوق شهروندی باید فرهنگ شود<sup>(۲)</sup>

در این جامعه باید حرمت و کرامت انسانی و حقوق شهروندی

---

۱- سخنرانی در جمع مسئولان قضایی اصفهان، تاریخ ۸۴/۴/۱۶

۲- سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه، تاریخ ۸۴/۶/۲۴

حفظ شود. اینها بحث‌های شعاری نیست، مراعات این حقوق بایستی در جامعه ما فرهنگ بشود، هیچ ضرری هم به هیچ جا نمی‌زند. کسی که خیال می‌کند احیای حقوق شهروندی مثلاً امنیت سیاسی و دستگاه‌های امنیتی را تضعیف می‌کند، اشتباه می‌کند، دستگاه‌های امنیتی در سایه حفظ این حقوق تقویت می‌شوند و بهتر می‌توانند کار خودشان را انجام بدهند. مردم پایه اصلی حکومت اسلامی هستند، با احیای این حقوق شهروندی، اقتدار نظام بیشتر می‌شود، مردم‌سالاری در نظام ما مستحکم‌تر می‌شود.

#### **حمایت از حقوق شهروندی منجر به ایجاد امنیت می‌شود**

حمایت از حقوق شهروندی باعث ایجاد امنیت برای افراد اعم از امنیت‌های اجتماعی و اقتصادی و فکری و... می‌شود. مردم وقتی می‌خواهند موفقیت دستگاه قضایی را ارزیابی کنند، نگاه می‌کنند که در محل خودشان چقدر امنیت برقرار شده و شرارت‌ها و دزدی کمتر شده است، و یا چقدر دستگاه‌های دولتی از حقوق آنان حمایت کرده‌اند. دستگاه قضایی بایستی طوری برنامه‌ریزی و عمل کند که مردم این حمایت و امنیت را احساس کنند. وقتی ما می‌گوییم عدالت، بایستی مردم آن را حس کنند. ما در ذهن خودمان عدالتی را درست کرده‌ایم، ولی اگر مردم بگویند ظلم است، معلوم می‌شود یک جای کار اشکال دارد.



## اجرای مجازات قانونی وظیفه ی دستگاه قضایی نه بیش از آن

دستگاه قضائی باید مجازات قانونی بزهکار را اجرا کند، ولی بیش از آن نه. محکوم به اعدام را که دارند می‌برند پای دار، کسی حق ندارد یک سیلی به او بزند یا بی‌حرمتی کند، اگر کسی به او بی‌حرمتی کرد گناه کرده و او می‌تواند قصاص کند. کسی که بزه کرده در حد همان بزه مجازات می‌شود، بقیه حقوق او باید محفوظ باشد، هتک حرمت نباید بشود، این یک حق دیگری است، خانواده‌اش را نبایستی زیر فشار قرار داد، نباید در جامعه رسوایش کنند مگر رسوایی یکی از مجازات‌هایش باشد. لذا در بحث اطلاع‌رسانی یکی از محدودیت‌هایی که داریم همین رسوا شدن است. اسلام در خیلی از بزه‌ها و بزه‌کاری‌ها امر به تستر کرده است و در بعضی از موارد امر به تشهیر کرده و گفته که این مجرم بایستی شهره شود، بایستی اطلاع‌رسانی شود و مردم بشناسند که این آدم این کار را کرده است. پس موارد فرق می‌کند، در جایی تشهیر به عنوان یک مجازات است و حق جامعه است که مجرم شناسانده شود، در جایی دیگر قانون امر به تستر کرده است. فقه نورانی اسلام بسیار دقیق است، مخصوصاً در مسائلی که مربوط به ناموس و جان و مال و حیثیت مردم و آبروی مردم است، این‌ها را بایستی حفظ کنیم و هر چیزی را در جای خودش و در نصاب خودش عمل کنیم<sup>(۱)</sup>.

۱ - سخنرانی در نشست سالیانه دبیران کانون‌های دانشجویی، تاریخ ۸۴/۹/۱۹

## رعایت حقوق شهروندی باید در صدر اهداف قوه قضائیه قرار گیرند

مردم معمولاً نابسامانی‌ها را ناشی از ضعف قوه قضائیه می‌دانند. همه قوه قضائیه را هدف قرار داده‌اند و از وضعیت دادگاه‌ها و عدم رسیدگی به پرونده‌ها شکایت می‌کنند. گاهی اتهاماتی مانند ارتشا و امثال آن به این قوه وارد می‌کنند که شاید در بعضی جاها صحت هم داشته باشد. امروز همه مدیران و دست‌اندرکاران، قضات و کارمندان سطوح بالای قوه قضائیه باید آستین همت بالا بزنند و همه توان بالقوه خود را جهت اصلاح ساختار نظام قضایی به کارگیرند، به راستی که رفع این کاستی‌ها و گرفتاری‌ها عزم و اراده‌ای استوار می‌طلبد.<sup>(۱)</sup>

تحقق بخشیدن به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلام، برقراری آزادی‌های مشروع و حمایت از آنها، گسترش عدالت و پاسداری از امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که هم در قانون اساسی آمده و هم فقه اسلام به آن‌ها پای‌بند است، باید در صدر اهداف قوه قضائیه قرار گیرند. واقعاً ایمان و همت والا لازم است تا این اصول و ضوابط قضایی تحقق یابند.

عدلیه دیگر دنبال گناهکار نیست، در پی آن است که بی‌گناهی بدون دلیل مؤاخذه نشود. در نتیجه، دیدگاهی تازه جایگزین نگرش قبلی می‌شود، چون خطری نظام را تهدید نمی‌کند. مهم تحقق

---

۱ - دیدار با قضات استان تهران، تاریخ ۸۷/۸/۶

اصل براءت، برقراری عدل، احقاق حقوق ملت، حفظ آزادی‌های موردقبول اسلام و نظام، ایجاد امنیت و فقدان بحران در جامعه است.

### **اقتدار مقام قضایی وابسته به رعایت حقوق شهروندی**

اقتدار عدلیه در این نیست که برای مردم رجزخوانی کند. چیزی که اهمیت دارد، سلامت قضاوت است. به عنوان مثال، اگر پرونده‌ای در مقابل قاضی قرار گرفت، هیچ رابطه‌ای قضاوت او را تحت تأثیر قرار ندهد و پول و رشوه نظرش را تغییر ندهد. این همان اختیار و اقتدار عدلیه در شرایط صلح و آرامش است. باید اقتدار را از این راه دنبال کنیم. در این صورت، نحوه برخورد ما با مردم و جامعه عطوفت‌آمیز خواهد بود. قاضی نباید چهره عبوس و خشن اسلام را نشان ندهد، او باید چهره عطوفت و عفو و عدل اسلام را به نمایش بگذارد.

در این شرایط، عدلیه باید اصل براءت را ملاک قرار دهد و آزادی‌هایی را که مورد قبول اسلام و هدف اسلام است، در جامعه پیاده کند. فرضاً اگر نیروی انتظامی یا هر نهاد اجرایی دیگر کسی را بازداشت کرد، عدلیه موضوع را پی‌گیری کند مبدا بی‌گناهی را گرفتار کرده باشند، به‌خصوص که سبب عدلیه ترازو است. یعنی میزان قسط و اقامه قسط و عدل است. بنابراین، سیاست‌ها تغییر

می‌کند؛ البته با دقت و حفظ آبرو. خلاصه کلام این‌که این تغییر دیدگاه منافاتی با اقتدار و عظمت و شوکت عدلیه ندارد.

### ارزیابی همه جانبه رعایت حقوق شهروندی

آگاهی از ذهنیت مردم نسبت به قوه قضائیه بسیار مهم است. ما باید همیشه نظر مردم را در ارتباط با میزان موفقیت خویش جویا شویم. باید ببینیم چه اندازه در دل ملت جا داریم و عقیده مردم خوب جامعه ما در مورد عدلیه چیست و چه برداشتی از آن دارند. مثلاً از دیدگاه آن‌ها عدلیه چقدر موفق است؟ آیا قوه قضائیه پناهگاه مردم است؟ آیا مجرمین می‌ترسند؟ باید یک نظرسنجی همه‌جانبه بکنیم تا به جایگاه واقعی و پایگاه مردمی قوه قضائیه پی ببریم. عدلیه نباید صرفاً مختومه کردن پرونده‌ها و صدور احکام را هدف خود قرار دهد. مهم روند کار و نحوه احقاق حق مطابق موازین شرعی است. نهایت سخن این‌که اگر هدف احقاق حق باشد، بسیاری از اشکالات در ساختار قوه قضائیه اصلاح خواهد شد.

### رعایت اصل تساوی سلاح‌ها مصداق بارز رعایت حقوق شهروندی

اصل تساوی سلاح‌ها که توسط حقوقدانان عزیز کشورمان هم به کار برده می‌شود واژه ای درست و محترم می‌باشد که ریشه در اسلام، سیره ی پیامبر ﷺ، قضاوت علی رضی الله عنه و فقه پویای ما دارد که متأسفانه این گونه اصول اسلامی از سوی غربی‌ها با واژه

پردازي و زرق و برق دادن به آن وارد ادبيات حقوقی ما می شود و فکر می شود که این اصول از اصول مترقی حقوقی غربی ها می باشد در حالی که این اصول ۱۴۰۰ سال پیش به طور کامل در قضاوت اسلامی مشاهده می شود. به عنوان نمونه یکی از اصول قضاوت اسلام این است که قاضی باید بی طرف باشد، حتی اگر یک طرف خلیفه مسلمین و طرف دیگرش فرد عادی باشد.

روایت نیز هست که یک شب مردی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و مهمان او شد. روز بعد به مولا گفت که شکایتی دارد و به همین خاطر خدمت رسیده است. مولا بلافاصله به مرد دستور داد اثاثیه اش را بردارد و خانه او را ترک کند. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «حق نداری مهمانی را بپذیری که شاکی باشد مگر آن که طرف دوم هم مهمان تو باشد.» مولا به آن مرد گفت زمانی می تواند مهمان وی باشد که دشمن خود را هم بیاورد. بی طرفی در قضاوت یکی از ارزش های اسلامی است و باید مورد توجه قاضی قرار گیرد. امیدواریم مسایل و مشکلات حقوقی ما با همفکری بیشتر و نظرهای همه جانبه و کارشناسانه حقوقدانان عزیز (قضات، اساتید، وکلا و...) حل شود و به لطف پروردگار و در سایه عنایات رهبر معظم، از این آزمایش الهی سربلند بیرون بیاییم و شرمنده خدا و ملت بزرگوار نشویم.

### تهاجم علیه رعایت حقوق شهروندی

محورهایی که خیلی مورد تهاجم قرار می گیرد، بحث های

حقوقی از جمله حقوق بشر، حقوق زن، حقوق شهروندی و حقوق اقلیت‌هاست. این امور آماج انتقادات و اشکال‌ها و ایرادهای آن‌ها علی‌ه نظام ماست، دفع این شبهات و دفاع از نظام حقوقی اسلام با پاسخ علمی، فنی و مطابق با مبانی حقوقی قابل فهم برای جهان مدرن، مسئله بسیار مهمی است. نه قوه قضائیه در این زمینه کار مؤثری کرده، نه وزارت خارجه و نه سازمان تبلیغات، این زمینه، خام است و جای کار بسیار دارد<sup>(۱)</sup>.

#### **نهادهای مردمی باید در زمینه حقوق شهروندی فعال شوند**

ما دنبال آن هستیم که نهادهای مردمی را به تدریج احیا کنیم، چون معتقدیم با گسترش این نهادها هم از حقوق شهروندان بهتر دفاع می‌شود و هم از فشار تراکم پرونده‌ها بر گردن دستگاه قضایی کاسته می‌شود<sup>(۲)</sup>.

#### **محکوم کردن ایران به خاطر حقوق شهروندی جنبه ی سیاسی دارد<sup>(۳)</sup>**

مسایلی را که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل علیه کشور ما

---

۱ - دیدار با رئیس و معاونان و جمعی از پژوهشگران سازمان فرهنگ و ارتباطات

اسلامی، تاریخ ۷۹/۵/۱۸

۲ - دیدار با جمعی از کارگران و مسئولان تشکلهای کارگری؛ ۸۱/۲/۸

۳ - مصاحبه در پایان دیدار مردمی، تاریخ ۸۳/۲/۱۰

مطرح می‌کرده، بیشتر جنبه سیاسی داشته و واقعاً این جور نبوده که در کشور ما، حقوق شهروندی رعایت نمی‌شود. کشورهای همجوار ما و بسیاری از کشورهای دیگر دنیا، خیلی بیشتر حقوق شهروندی را زیر پا می‌گذارند، اما آن‌ها را محکوم نمی‌کنند، ولی ما را محکوم می‌کنند. محکوم کردن و محکوم نکردن کمیسیون حقوق بشر، همواره عوامل سیاسی داشته است، این عوامل سیاسی مربوط می‌شود به شرایط سیاسی هر مقطعی، لابد در شرایط فعلی، وضع سیاسی کشور ما از نظر آن‌ها بهتر شده یا مسایل دیگری را در نظر گرفتند و ما را محکوم نکردند و پرونده کشور ما را از دستور خارج کردند.

باز به عنوان نمونه در خصوص اعدام افراد زیر ۱۸ سال و مسائل حقوق بشری مرتبط با آن بسیاری از تبلیغات غرب بر علیه ایران سیاسی هستند. نقض حقوق بشر در کشورهای دیگر به کثرت و شدت وجود دارد آن‌ها را نه مورد اتهام قرار می‌دهند و نه در مورد آن‌ها تبلیغات می‌کنند.

برخی کشورها حتی حقوق اولیه بشر را نیز از شهروندان خود گرفته‌اند مجلس ندارند پارلمان ندارند به زنان اجازه رانندگی نمی‌دهند یک حکومت قرون وسطائی دارند و غرب هم کاری به آن‌ها ندارد بلکه هم پیمان با آنان بر علیه ما و حقوق مردم فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان فعالیت می‌کند. اصل حقوق بشر درست است نظام اسلامی هم داعیه حقوق بشر دارد.

من زمانی که رییس قوه قضاییه بودم حقوق شهروندی را مطرح کردم. اروپایی ها حقوق بشر را از اسلام گرفته اند. ما معتقدیم حقوق بشر که اکثر اصل های آن هم درست است یک بحث اسلامی است. اعدام کودکان یک بهانه است ما کودک را اعدام نمی کنیم ، تازه برای ما سن مهم نیست ملاک بلوغ و رشد است. این ها بحث های کوچکی است ما همه پرونده های قوه قضاییه را جمع کنیم کسانی که در سن ۱۶ الی ۱۸ جرمی مرتکب شده باشند که اعدام شده اند از چند نفر معدود تجاوز نمی کند. این ها را بخاطر مسائل سیاسی مطرح می کنند. ما به لحاظ فقهی محدودیت های زیادی برای مجازات مجرمان ۱۶ الی ۱۸ داریم. خود اثبات جرم خیلی سخت است. ما در اعدام، محدودیت های زیادی داریم. خیلی از مجازات اعدام قصاص است که حق شخصی است و می شود با دیه و صلح، مجازات را رفع کرد.

در غرب حق اعدام حق دولت است حتما باید اجرا شود. پرونده های قصاص ما با صلح تمام می شود گاهی قاضی حکم می کند و دیوان عالی هم تایید می کند اما کمی مانده به اجرا صلح می شود. کمتر از ۲۰ درصد محکومین به قصاص ها، به اعدام رسیده است. اکثرا مورد رضایت واقع می شود. ما سوای همه این ها نسبت به مجازات هایی که حق عام است و در اختیار حکومت است سعی کرده ایم مجازات اعدام زیر ۱۷ سال صورت نگیرد از حق عفو رهبری استفاده می کنیم تا کسی اعدام نشود.



سعی می شود طرف قصاص به نحوی راضی شود سود و مصالحه کند. بحث دیگر این است که اگر جرم بین ۱۶ الی ۱۸ سالگی انجام شده باشد، اگر قرار بر اعدام باشد معمولاً اعدام از بعد پایان این دوره و در سن بالا صورت می گیرد و اصلاً نوجوانان در کشور ما اعدام نمی شود.

احیای حقوق عامه و حمایت از حقوق شهروندی، این ها از مقاصد بسیار بلند و اصلی نظام جمهوری اسلامی است که هم در فقه ما و هم در قانون اساسی به آن ها تصریح شده است. این قانون که میثاق ملی ماست، میثاق دینی ما نیز هست، تنها مشروعیت سیاسی و ملی ندارد، مشروعیت دینی هم دارد؛ چون به وسیله فقهای بزرگواری در خبرگان قانون اساسی تدوین شده و سپس به وسیله رهبری نظام؛ امام راحل نیز تأیید گردید.

واقع این است که وضع حقوق شهروندی و به طور کلی حقوق بشر در کشور ما کم نظیر است. چون نظام ما نظام اسلامی است، قانون اساسی و قوانین عادی ما بر اساس اسلام است، مسئولان نظام ما پایبندند و اعتقاد دارند و با اعتقاد به قوانین اسلامی کارشان را انجام می دهند، حالا اگر در جایی هم تخلفی صورت گرفته باشد آن را نمی شود به حساب کل نظام گذاشت، در همه جاها ممکن است خطاهای اجرایی جزئی از سوی مأموری، مثلاً ضابطی از ضابطین قوه قضائیه، انجام بگیرد.

## باز بودن باب اجتهاد و ضرورت پاسخگویی به شبهات مطرح شده در خصوص حقوق شهروندی در نظام اسلامی

من به باز بودن باب اجتهاد تاکید می‌کنم چرا که "این امر در اصول فقه شیعه امتیاز این فقه بر فقه اهل سنت است که برکات زیادی داشته و دارد، بالندگی، تکامل و پویایی فقه و علوم اسلامی خیلی مفید بوده است و امام علیه السلام هم بر آن تکیه داشتند. برداشت های جدید از دین و نظریه پردازی در مقابل شبهات و حفظ میراث اسلامی در همه ابعاد مهم و وسیع از جمله نتایج باز بودن باب اجتهاد است مسائل نو در قالب افکار جدید مطرح می‌شود برخی اشکال و شبهه دارند که پاسخ می‌خواهد برخی هم فرازهای جدیدی هستند که در اجتهاد باز می‌شوند. این چشم اندازهای جدیدی که نیاز به حکم فقهی دارند باید استنباط بشوند. حکومت هم در فقه شیعه امر جدیدی است و مسائل جدیدی دارد و احکام خوش را می‌خواهد.

برای حل مسائل جدید باید سه گروه فقه‌ها، کارشناسان علوم مختلف و مجریان آشنا به مسائل با هم بنشینند و کار کنند و هم باید از علمای بزرگ حوزوی و هم از نخبگان و اصحاب فکر در رشته های علوم روز استفاده بشود. برخی از مسائل جدید مشکل روشن نبودن حکم را دارند محتوا، حکم است و باید مجتهدان در مورد آن نظر بدهند. برخی هم مشکل قالب و نظم و نظام و شکل

را دارند که باید صاحب نظران رشته های مختلف پاسخ دهند و مدل سازی کنند.

امام علیه السلام که بحث باز بودن باب اجتهاد را مطرح می کرد می خواست نخبگان و علما را دعوت کند در این نظام جدید میراث علمی خود را روی هم بریزند و پاسخ نیازهای نظام را پیدا کنند و حل کنند.

من ده سال تجربه ریاست قوه را داشتم هنوز خیلی به اجتهادهای جدید، پویا، دقیق و منجسم با نیاز روز و متکی به مبانی درست آن نیاز داریم. تغییرات بر اساس مصلحت اندیشی نیست، نباید با هر مصلحتی و بر اساس سلايق شخصی حکم خدا را عوض کرد. تغییرات چارچوب دارد و امام علیه السلام به این چارچوب خیلی توجه داشت. منابع استنباطی و اجتهادی ما خیلی غنی است ادله ما باز است خیلی پر توان و پر پتانسیل است.

برای همه مسائل جدید می شود پاسخ های خوب به دست آورد. مدل هایی را که در دنیا به دست آمده و تجربه شده بگیرند با دقت مطالعه کنند نگویند که چون مال غرب و یا ژاپن و کجا است و مال بلاد کفر است به درد نمی خورد. فضلا، فقها، علما و اساتید دانشگاه بنشینند یکی یکی بررسی کنند تا بهترین ها را به دست بیاورند. در مجلس هم قبل از اینکه بخواهند قانونی را تصویب کنند باید از این نظرات جدید استفاده کنند و بر پایه آنها قانون

تصویب کنند. متأسفانه مرکز پژوهش های مجلس آنچنان قوی نیست که این کار را انجام دهد. در اکثر مسائل کار بنیادی نشده است ما در مسائل بنیادی دچار مشکل اساسی هستیم نگاه دنیای اسلام به ما است آنها چیزی ندارند چون نظام اسلامی ندارند همه آن ها سیستم های بلاد کفر را در نظام خود کپی کرده اند.

همه علما توجه شان به این است که نظام جمهوری اسلامی همه این مشکلات را حل کرده است. فکر می کنند که در همه چیز مدل کاملی داریم. البته ما نسبت به آن ها چیزهایی مهم و اساسی داریم ولی نواقص زیادی هم داریم که خیلی نیازمندیم. متأسفانه تلاش ها برای عمل به توصیه های امام در زمینه باز بودن باب اجتهاد در نظام اسلامی در عمل کافی نبوده است، برنامه وحدت حوزه و دانشگاه نتیجه مختصری داد اما بجایی نرسید. اسلامی کردن دانشگاه ها که ۱۲ سال پیش رهبری انقلاب مطرح کردند به نتیجه نرسید.

در این قسمت ها ما نیاز به کار بیشتر و با برنامه از پیش تهیه شده داریم. باید یک نهادی درست کنیم که بطور مستمر در کنار نظام و انقلاب همه این ها را آماده کند مستندات را تهیه کند و هم دولت و هم مجلس و هم قوه قضاییه استفاده کنند، این کار حوزه و دانشگاه و مسوولینی است که آگاهند و به مسائل اشراف دارند. ما خیلی خوب می توانیم به شبهات مطرح شده در خصوص

رعایت حقوق شهروندی را به‌طور علمی پاسخ دهیم و مبانی حقوق اسلامی را نسبت به حقوق شهروندی و تبیین کنیم، اگر هم نتوانیم حرف‌مان را ثابت کنیم، دست‌کم این نکته را به آن‌ها خواهیم فهماند که احکام ما مبنای حقوقی خود را دارد و بی‌مبنا نیست. دست‌کم می‌توانیم این را ثابت کنیم که نظام قضایی یا نظام حقوقی اسلام، مبتنی بر دیدگاه‌های مکتبی مشخصی است و دارای فلسفه و مبانی اصولی خاص خود است و این دیدگاه‌ها به‌عنوان یک مکتب برای اندیشمندان قابل تحمل است.

#### حفظ حقوق و کرامت انسانی در فقه اسلام

ما قوانین بسیار خوبی داریم، قانون اساسی ما بسیار مترقی و عالی و ارزش‌مدار و عدالت‌محور است. در فقه اسلام نیز بر عدالت قضایی و حفظ حقوق و کرامت انسان‌ها تأکید شده است. اصل برائت، اصل توقیفی بودن جرم، بی‌طرفی قاضی و دستگاه قضایی، مساوات بین طرفین در محاکمه، اخلاق و اوصاف قضایی که برای قضات در فقه ما آمده، همه حاکی از تأکید اسلام بر رعایت حقوق و کرامت انسان است. در عمل نیز تابلوی تاریخی درخشانی مثل قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام را داریم که هر انسانی اعم از مسلمان و غیر مسلمان را شیفته آن حضرت می‌کند.

## ضرورت عزم ملی در حفظ حقوق و کرامت انسانی

در قوانین ما نیز بر اصل حفظ حقوق و کرامت انسانی تأکید شده است، ولی با این همه، در عمل رعایت نمی‌شود. تا یک عزم حقیقی و جدی در همه افراد مسئول، از رأس دستگاه تا شاخ و برگ‌های آن در این زمینه وجود نداشته باشد، این اهداف بلند محقق نخواهد شد. پس از ایجاد چنین عزمی، باید سیاست‌های اجرای این اصل نیز مورد توجه قرار گیرد. احیای این اصل، نیاز به سیاست و ساختار و تشکیلات خاص و نظارت و کنترل‌های خاص خود را دارد<sup>(۱)</sup>.

بسیاری از اعمال خلاف حقوق و کرامت انسان‌ها از ناحیه دفاتر و تشکیلات اطراف قاضی مانند ضابطین، مدیران دفاتر، مأموران زندان و... انجام می‌گیرد نه خود قاضی. بنابر این در ابتدا همت خود قضات و توجهشان به روح قانون اساسی و روح فقه اسلام و قوانین می‌تواند راهگشای رعایت هرچه بهتر حقوق شهروندی و کرامت انسانی باشد.

در این بخشنامه به این نکات توجه شده و باید اجرا شود، اگر در حد یک قانون بماند فایده‌ای ندارد. البته مفاد این بخشنامه در لبّ قوانین ما بوده و منظور بخشنامه این است که این قانون احیا و اجرا شود. عمده، مقام عمل و اجراست و گرنه همه مفاد

---

۱ - سخنرانی در همایش قضات دادگستری تهران تاریخ: ۸۳/۲/۲۳

این بخشنامه در قوانین و فقه ما بوده و هست، همتی باید که آن را احیا و اجرا کنیم. شرط اول احیای این بخشنامه، همت خود قضات و توجهشان به روح قانون اساسی و روح فقه اسلام و قوانین ماست.

### نقش شهرداری ها در حفظ حقوق شهروندی

خیلی از مشکلات مردم در شهر تهران مربوط به شهرداری است. چنانچه در شورای شهر و شهرداری، خوب برنامه‌ریزی شود، قوانین و مقررات مناسبی وضع شود، هماهنگی با دستگاه‌های دیگر درست انجام بگیرد، خیلی از مشکلات حل و می‌توان حقوق شهروندی را به نحو بهتر و گسترده‌تر و عادلانه‌تری که هدف نظام اسلامی است، تأمین کرد. تبلور آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و حقوق شهروندی در زندگی اجتماعی مردم عمدتاً در همین اموری است که مربوط به شهرداری‌هاست<sup>(۱)</sup>. البته تحقق این اهداف نیاز به همکاری دستگاه‌های دیگر دارد، چون این امور تنها در اختیار شهرداری نیست، دستگاه قضایی، وزارت مسکن، دستگاه‌های اجرایی دیگر همه به نحوی در مسایل مربوط به شهرسازی و شهرداری و مدیریت شهر، دخیل اند و اگر هماهنگی میان آن‌ها نباشد مدیریت شهر موفق نخواهد شد.

---

۱- دیدار با اعضای شورای شهر تهران، تاریخ ۸۳/۳/۳

برای بیشتر مردم بخش مادی قضیه خیلی مهم است - البته هم برای زندگی آنان مهم است - مانند تراکم، قیمت زمین، قیمت خانه، خیابان و اموری از این قبیل. تخریب فضای شهرها و محیط زیست که تنفس مردم است، حیف و میل کردن زمین‌های متعلق به بیت‌المال - که سازمان ثبت در جلوگیری از این کار خیلی نقش دارد -، حقوق مالکیت‌ها، اهداف دیگری که در دنیای امروز از راه نهادهای مدنی شهری مانند شوراهای حل اختلاف مدیریت می‌شود و مسایل فراوان دیگری از این قبیل که اگر بخواهد احیا شود قطعاً همکاری با شهرداری را لازم دارد اگر با دید کلان و کلی به این امور نگاه کنیم، نیاز داریم که جمعی از نهادها و دستگاه‌هایی را که به شکلی در حقوق شهروندی ذیربط‌اند، دور هم جمع کنیم و هیأتی از مسئولان ارشد این دستگاه‌ها تشکیل شود و به بررسی این مسایل پردازد در هر بُعدی، سیاست‌ها و راهکارها مشخص بشود، یا اگر طرحی لازم است، تهیه شود، مقدمات و مستلزمات که ممکن است این طرح‌ها و سیاست‌ها در اجرا داشته باشد، احصا شده و از راه قانونی فراهم شود. برخی از مسایل نیاز به تصویب قانون یا به تفسیر قانون از مجلس شورای اسلامی دارد و در بسیاری از موارد با این تفسی مشکل شهرداری حل می‌شود.

### **ضرورت هماهنگی دستگاه‌ها و نهادها در حفظ حقوق شهروندی**

حساسیت حفظ حقوق شهروندی در این بخش آشکار می‌شود.



هریک از سه قوه در بخشی از بخش‌های کشور باید این احساس را داشته باشند که به‌عنوان خادم مردم، حافظ حقوق شهروندی هستند. در این صورت کرامت انسان‌ها حفظ می‌شود و نظام مقدس جمهوری اسلامی چه در بعد قضائی و چه در بعد اجرائی به‌عنوان یک نظام بی‌نظیر و ممتاز در تمام دنیا مطرح می‌گردد.

در شهر سرقت هست، مواد مخدر هست، بزهکاری هست و این امر تا حدودی طبیعی می‌باشد در مقابله با این مشکلات، نباید همیشه به برخورد کیفری بیندیشیم. سیاست‌ها بایستی پیش‌گیرانه باشد، کاری کنیم که بزه انجام نشود، نه این که انجام بشود و عامل آن را مجازات کنیم. مطلوب آن است که اصلاً بزه انجام نشود، معتاد نباشد، نه اینکه باشد و زندان‌هایمان را پر کنیم.

چند وقت پیش رئیس سازمان زندان‌ها تماس گرفت و ابراز نگرانی می‌کرد که نیروی انتظامی شروع به دستگیری معتادان آشکار کرده و باز زندان‌های ما پر می‌شود. این در حالی است که طبق قانون، بهزیستی متکفل علاج معتادان است و باید آنان را به اردوگاه‌ها ببرند و اردوگاه هم نداریم.

این مسایل باید با آن دید جامع نگریسته شود. بایستی کاری کنیم که شهر سالم باشد از سرقت و اعتیاد و جرایم اخلاقی و آدم‌ربایی و شهروندان اطمینان داشته باشند که امنیت جانی و مالی و ناموسی دارند. اگر شهرداری و همه نهادهای مربوطه همکاری کنند

می‌توانند در پیش‌گیری از جرایم نقش اساسی داشته باشند. بدون کمک هم نمی‌شود، این که می‌گوییم نمی‌شود چون تجربه کردم، در بعضی از استان‌ها وقتی دادگستری پیش‌قدم شده و طرحی را مطرح کرد و با شهرداری و فرمانداری و ائمه جمعه و جماعات و نیروی انتظامی و بسیج هماهنگ کردند، موفق شدیم.

وقتی نهادهای ذیربط دست به دست هم بدهند و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کنند، موفق خواهند شد. باز تجربه کردیم که بازگشت خیلی از اختلاف‌ها و کشمکش‌ها و ناکامی‌ها به این است که این دستگاه‌ها کارهایشان را با هم هماهنگ نکردند. هر کدام جدا جدا برای خودشان تصمیم می‌گیرند، اگر یک جا جمع شوند و با استفاده از روش‌های علمی پیشرفته با هم تصمیم‌گیری کنند، خود بخود جلوی خیلی از اختلاف‌ها و درگیری‌ها و فسادها گرفته می‌شود، خیلی از پرونده‌های شهرداری و دادگستری خود بخود کم می‌شود.

به این ترتیب دستگاه‌ها با هم هماهنگ می‌شوند، تضادها از بین می‌رود، حقوق شهروندان بهتر حفظ می‌شود و رضایتمندی مردم را کسب می‌کنید، رضای خدا در خدمت به مردم است. ایجاد جلسات و کارگروه‌های مشترک میان شورای عالی و دستگاه قضایی را ضروری است و باید قبول کرد که حقوق عامه، حقوق شهروندی و امنیت آن گونه که در قانون اساسی آمده تامین نشده است.

## عمل به اصول اساسی فقه اسلام و تلاش برای احقاق حقوق مردم تضمینی برای رعایت حقوق شهروندی

بدون شک همه ما می‌دانیم که هر پست و مقام و فرصتی را که به دست آورده‌ای در حقیقت مدیون دو عامل مهم است: عامل اول، مردم است، ما در حقیقت وام‌دار مردم هستیم، اگر نهضت مردمی نبود، اگر آن مجاهدت‌ها و آن مبارزات طاقت‌فرسا و ممتد نبود، این انقلاب پیروز و این حکومت برپا نمی‌شد و شما هم این مسئولیت‌ها را نداشتید. عامل دوم هم که در حقیقت انگیزه عامل اول است، مبانی اعتقادی دین مبین اسلام و فقه شیعه است.

اعتقاد به این باورها و اطاعت از آن فرمان‌های الهی ما را تربیت کرد که در مقابل باطل سر خم نکنیم و پیرو حق باشیم این ایمان بود که سبب اقتدار رهبری شد و این امکان را فراهم آورد که رهبری بتواند از پتانسیل قدرتمند ایمان مردم بهترین استفاده را بکند و ملت را علیه رژیم طاغوت بسیج و آن را سرنگون کند و حکومت اسلامی در این سرزمین مقدس تشکیل دهد. پس هر چه ما داریم از این دو عامل است و باید در تمام مراحل مدیریت و سیاست‌گذاری‌هایمان این دو عامل را همیشه مدنظر قرار بدهیم و هر قدر خدای ناکرده از این دو عامل زاویه بگیریم و دور شویم به همان اندازه از مبنا و علت محدثه انقلاب خود دوری جسته‌ایم و به همان اندازه هم آسیب‌پذیر خواهیم بود.

مراقب باشیم از دین خدا جدا نشویم، هر قدر از احکام نورانی اسلام منحرف شویم از مبانی انقلاب خود دور شده‌ایم، چون مبنای این انقلاب باورهای دینی ما است، اگر این باورهای مقدس و با ارزش نبود که همه چیز در مقابل آن‌ها بی‌ارزش است و انسان حاضر است برای آن‌ها از جان و مال خود دست بکشد و همه را در این راه بدهد، این انقلاب به پیروزی نمی‌رسید. ایده دیگری این ارزش را نداشت که انسان برای آن این قدر تاوان بدهد. اصلاً این انقلاب برای اجرای معنای دقیق و کامل دین خدا و احیای دین خدا بر روی زمین شکل گرفت.

نسبت به مردم هم اگر ما در کارهای خود بی‌توجه به مردم شویم و کاری کنیم که مردم از ما ناراضی شوند و احساس کنند که ما از وجود آن‌ها استفاده کرده‌ایم و بر سر خوان نعمتی که آن‌ها زحمت آن‌ها کشیده‌اند نشسته‌ایم ولی به فکر آن‌ها نیستیم، باز هم مبنای کار ما زیر سؤال می‌رود و آسیب‌پذیر می‌شود و متضاد با اهداف خود حرکت کرده‌ایم. این انقلاب برای حفظ حقوق مردم و برپایی عدالت اجتماعی و بر پایه خدمت به مردم و پاکسازی کشور از ظلم‌های رژیم طاغوتی بوده است. هدف، برپایی جامعه و حکومتی بود که مردم در آن احساس آرامش و آزادی کنند. بحث اصلی این است که مدیران در همه بخش‌ها و در همه مراحل سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی، می‌بایست این دو عامل را همواره در نظر داشته باشند.

وقتی می‌خواهند برنامه‌ریزی کنند عملاً برنامه بر خلاف اسلام نباشد. اینکه در اصل چهارم قانون اساسی ما آمده است که هیچ قانونی نمی‌تواند بر خلاف اسلام باشد و این اصل بر تمام اصول دیگر قانون اساسی و قوانین دیگر حاکم است، اشاره به همین مبناست. در اجرا هم همین‌طور، می‌بایست این عامل مدنظر باشد، سیاست اجرایی چه در دستگاه اجرایی و چه در دستگاه قضایی می‌بایست متناسب با اسلام باشد. همچنین، هیچ سیاست اجرایی نباید بر خلاف مصالح مردم باشد یا به گونه‌ای باشد که فعلاً بر وضع زندگی مردم تأثیر سوء داشته و احساس محرومیت و مظلومیت کنند، یا قابل درک برای مردم نباشد و در ذهن مردم شبهه ایجاد کند. مدیریت اسلامی باید قدرت اقناع عمومی داشته باشد و مردم کلیت رفتار مسئولان و مدیران جامعه را مناسب ببینند، والا عامل بسیار مهم حضور مردم در صحنه و آمادگی مردم و ایمان و اعتقاد آنان به مسئولان و مدیران اجتماعی سست می‌شود.

### **نظام قضایی اسلام دقیق‌ترین و برترین نظام قضایی در تحقق عدالت قضایی و حفظ حقوق بشر<sup>(۱)</sup>**

تمسک غرب به حقوق بشر، مزورانه است و در عمل دوگانه برخورد می‌کنند. آنها می‌خواهند به بهانه نقض حقوق بشر در

---

۱- دیدار با سفیر کشور بحرین، تاریخ ۸۳/۵/۲۰

کشورهای اسلامی مخصوصاً در بعد سیاسی و اجتماعی، همان الگوی مزورانه خودشان را تحمیل کنند. ما با تکیه بر فرهنگ اصیل اسلامی، می‌توانیم استغناي خودمان در همه این ابعاد را اثبات کنیم و مدل‌های جدیدی به دنیا ارائه دهیم که از مدل‌های آن‌ها پیشرفته‌تر، عادلانه‌تر و حقانی‌تر است. نظام قضایی اسلام نیز همین‌طور است. عدالت نظام قضایی اسلام، بی‌نظیر است، اگر به درستی اجرا شود، مردم طعم عدالت را خواهند چشید. در تبلیغات دشمنان فقط بعضی از مجازات‌های اسلامی مانند قصاص و شلاق را علم کرده‌اند و برای بدبین کردن اذهان مردمشان نسبت به نظام قضای اسلامی، مطرح می‌کنند. اگر اهمیت حقوق شهروندی و عدالت قضایی که در اسلام هست به درستی تبیین شود، آن وقت مشخص می‌شود که چقدر نظام قضایی اسلام دقیق‌تر است و در تحقق عدالت قضایی و حفظ حقوق بشر بر نظام‌های مدعی، برتری دارد. آنچه‌آن هادر تبلیغات خود علیه ما روی آن تکیه کرده‌اند مانند کیفر قصاص، اگر با شرایط خودش اجرا شود، آن هم عین عدالت است و مایه حیات انسان‌هاست.

#### **توجه ویژه شهرداری‌ها به حقوق شهروندی**

حقوق عامه هم یکی دو تا نیست، با این پیچیدگی که در روابط اجتماعی امروز به وجود آمده، تشکیل شهرهای بزرگ و نیازهای مختلفی که روز به روز، رو به افزایش است، برای شهرداری‌ها،

صدها وظیفه ایجاد شده است. در فرهنگ عمومی تا به حال کمتر به این بعد از وظایف شهرداری‌ها توجه شده است. شهرداری را بیشتر به عنوان نهادی که از طرف حکومت مسئول گرفتن عوارض است، می‌شناسیم. در حالی که در دنیا این طور نیست، بلکه شهرداری، نمایندگی از مردم است برای تنظیم امور شهر و خدمت‌رسانی به مردم با هزینه خودشان. این دید درست است و البته برای این مسئولیت سنگین و پیچیده، توانمندی و تعهد و تخصص‌های لازم بیشتر از یک وزارتخانه است. باید با این دید به شهرداری نگاه کرد و این فرهنگ را آرام آرام در خودمان احیا کنیم. آن وقت شاید خیلی از روابط و حدود و اختیارات، تغییر خواهد کرد<sup>(۱)</sup>.

حقوق شهروندی مسئله مهمی است، من پیشنهاد می‌کنم جلسه مشترکی میان شهرداری و دستگاه قضایی و سازمان‌های وابسته که ارتباط نزدیکی با مسایل شهری دارند، مثل سازمان ثبت، تا اندازه‌ای سازمان زندان‌ها، پزشکی قانونی، برگزار شده و سیاست‌های کلان هماهنگی این دستگاه‌ها در اداره شهرها و خدمت‌رسانی به مردم و حفظ حقوق عامه، بررسی و مسئولیت هر یک از این دستگاه‌ها در این زمینه تعریف شود. سیاست‌های کلی شهرسازی‌ها، حقوق شهروندی در شهرها و مخصوصاً کلان شهرها، زمین‌ها و سندهایی که صادر می‌شود و کیفیت صدور این سندها، حاشیه‌نشینی شهرها،

---

۱ - دیدار با شهرداران کلان‌شهرهای کشور، تاریخ ۸۳/۱۰/۲۷

بحث زمین‌خواری که هم‌اکنون مطرح است، برخی از نهادها و مؤسسات در داخل شهرها کارهایی را انجام می‌دهند که بسیاری از آن‌ها خلاف حقوق شهروندی و حقوق عامه است، و باید با عوامل این نقض‌کنندگان حقوق شهروندی برخورد شود.

### **سیاست‌های کلان شهرداری‌ها در راستای حفظ حقوق شهروندی**

تصمیم‌گیری ناهماهنگ نهادهای مختلف برای اداره شهر، درست نیست، در دنیا هم گمان نکنم که بدین صورت باشد، بلکه همه در یک جا متمرکز است، اگر هم متعدد باشد، جایی وجود دارد که آن‌ها را با هم هماهنگ کند. باید برای این وضع، فکری کرد، من تصورم این است اگر بخواهیم کار اساسی در این زمینه بشود، مسئولان نهادها و وزرای مربوطه را دعوت کنیم، یکی دو جلسه هم خود بنده در خدمت آقایان باشم، با همکاری می‌توانیم مشکلات را حل کنیم و نیز می‌توانیم چشم‌انداز مسایل شهری را ترسیم کنیم. چکار کنیم که حقوق شهروندی بهتر اجرا شود، حرمت مالکیت‌های مشروع بهتر حفظ شود؟ حالا خیلی راحت مالکیت اشخاصی از بین می‌رود، از آن طرف خیلی راحت مالکیت منابع عمومی با سندسازی و رابطه‌بازی از دست دولت خارج شده و به دست زمین‌خواران می‌افتد. هر دو کار، خلاف است، هم آن درست نیست و هم این خلاف روح عدالت و حقوق شهروندی



است، گرچه ممکن است با ظاهر قانونی انجام گیرد<sup>(۱)</sup>.

من امروز در قانون اساسی نگاه می‌کردم، حدود هشتاد مورد از انواع حقوق عامه در قانون اساسی آمده است. اکثر این موارد بر عهده شهرداری‌ها، قوه قضائیه و بعضی از وزارتخانه‌ها مثل وزارت بهداشت، وزارت آموزش و پرورش، وزارت آموزش عالی است. احیای درست این حقوق، تضمین این حقوق برای فردا، توسعه این حقوق، وظیفه نظام است. حقوق عامه خیلی توسعه پیدا کرده و ما در این زمینه خیلی کم کار کردیم و در ابتدای راه هستیم، اگر بخواهیم حقوق عامه را از دیدگاه قانون اساسی خودمان که دیدگاه اسلام است، تأمین و تضمین کنیم، خیلی کار می‌خواهد، نیاز به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری و ایجاد تشکیلات متناسب و تصویب لوایح و قوانین متناسب دارد، و این وظیفه شهرداری‌ها و شورای شهر و نهادهای مربوطه اجرایی و قضایی را خیلی سنگین می‌کند.

### توسعه روزافزون حقوق شهروندی

این حقوق روز به روز هم رو به توسعه است، ببینید حقوق شهروندی چگونه توسعه یافته است، سابقاً حقوق شهروندی چند مورد بیشتر نبود، امروز در دنیا آنقدر آن را توسعه داده‌اند که برخورداری ملتی از یک صنعت و علم هم جزء حقوق شهروندی

---

۱ - دیدار با شهرداران کلان‌شهرهای کشور، تاریخ ۸۳/۱۰/۲۷

است، واقعا هم همین طور است. از حقوق یک ملت این است که بتواند از آخرین دستاوردهای علمی جهان استفاده کند، منع این حق، خلاف حقوق شهروندی است، چون این دانش مال همه بشر است، مخصوص یک نفر و یک کشور نیست، در طول تاریخ علمای سرزمین‌ها و تمدن‌های مختلف زحمت کشیدند و تاریخ علم را ساخته‌اند تا به امروز رسیده است.

مرحوم مطهری در یادداشت‌های خود درباره ارزش افزوده می‌گوید: ارزش‌های افزوده اختراعات و صنعت‌ها را باید ملی اعلام کرد، چون آن نظریه علمی که عامل اصلی این صنعت است، ملک آخرین کسی که آن را اختراع کرده، نیست، بلکه متکی و مبتنی بر علوم و دانش‌های قبلی و مراحل پیشرفت علم بوده که به دست این مخترع یا صاحب نظریه رسیده و توانسته آن را یک گام جلوتر ببرد. این محصول جمعی علم بشر، ملک شخصی آن مخترع نیست که بتواند آن را به یک کارخانه‌دار و یا کارفرمای صنعتی بفروشد و ملک اختصاصی او شود، بلکه محصول جمعی علم بشر است و باید ملی اعلام شود.

#### **مفهوم حقوق شهروندی در معنای عام**

واژه حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی یک واژه جدید است و تعریف‌های گوناگونی از آن می‌توان داشت. ممکن است برای

حقوق شهروندی یک معنای عام و وسیع در نظر گرفته شده و به صورت مطلق حقوق عمومی، اجتماعی و فردی شهروندان و آحاد ملت تعریف شده و به این ترتیب حقوق عامه افراد، حقوق اجتماعی، حقوق شخصی، خانوادگی، فرهنگی و آزادی‌های مشروع را در بر گیرد. با این تعریف از حقوق شهروندی این عنوان مخصوص قوه قضائیه و کارهای قضائی نخواهد بود؛ بلکه همه ابعاد حقوق انسانی را در برمی‌گیرد<sup>(۱)</sup>. معنای نخست، کل حقوق نظام و جامعه و معنای بسیار عامی است و همه حقوق را در برمی‌گیرد که بخشی از آن مشمول حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عامه خود دولت هم می‌شود. این معنا، معنای عام حقوق شهروندی است.

### مفهوم حقوق شهروندی در معنای خاص

همان گونه که عرض شد حقوق شهروندی واژه جدیدی در ادبیات حقوق است که دو معنای مطلق حقوق عمومی و یک معنای خاص دارد، گفت: بر اساس معنای محدودتر حقوق شهروندی به معنای حقوقی است که در رابطه شهروندان با حاکمیت به وجود می‌آید و در این معنا مدیریت باید به گونه ای شکل بگیرد که حقوق سلب یا تضییع نشود اطلاق دیگر برای حقوق شهروندی

---

۱ - سخنرانی در همایش حقوق شهروندی - بزرگداشت هفته قوه قضائیه، تهران، تیرماه ۱۳۸۶

اطلاق مضیق‌تری است؛ به معنای حقوقی که در رابطه شهروندان و حاکمیت در اجرا و اداره مردم وجود دارد. هنگامی که فرد در جامعه‌ای جای می‌گیرد، معمولاً حقوق و آزادی‌های او با حقوق دیگران و عامه در تزاخم و تضاد قرار می‌گیرد. حاکمیت به عنوان مدیر و نظم‌دهنده به اجتماع و جامعه مسئولیت دارد، در چنین جایگاهی حقوق آحاد جامعه را به گونه‌ای تنظیم کند که بیش‌ترین حق رعایت گردد و مرز آن حقوق با حقوق اجتماع مشخص شود. بدین ترتیب مدیریت اجتماعی نباید به صورتی شکل گیرد که سبب تضییع، تحدید و سلب آن حقوق شود.

در این معنا حقوق افراد و آحاد جامعه، حقوق خانواده‌ها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی هم باید در مدیریت کلان اجتماعی ملموس شده و در قوانین مورد توجه قرار گیرد و در مقام اجرا رعایت و حفظ شود. آن دسته از نظام‌ها و قوانین اجتماعی که بتوانند به بهترین نحو، حقوق فرهنگی، اجتماعی و یا حقوق شهروندی، حقوق کیفری و حقوق مدنی افراد را حفظ کنند، در حالی که در مدیریت اجتماعی - حتی حاکمیت - نظم اجتماعی رعایت شده باشد، موفق‌تر و با ارزش‌تراند. چنانچه حاکمیتی برای برقراری نظم، امنیت و اجراء تشریفات اداری و برپایی تشکیلات موردنیاز، حقوق شهروندی را تضییع کند، بحث حقوق شهروندی و حفظ آن مطرح می‌گردد و نظام‌های قضائی و حقوقی‌ای که بتوانند این حقوق را - ضمن مدیریت کلان جامعه

- به شکلی دقیق‌تر و کامل‌تر حفظ نمایند موفق‌تر هستند. از این رو این دو اصطلاح در تعریف حقوق شهروندی باید از هم جدا شوند بیش‌ترین اطلاق این واژه از نظر حقوقی در گفتمان‌های حقوقی روز دنیا مربوط به معنای دوم است. منظور از حقوق شهروندی این است که حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه - که بخش مدیریتی جامعه است - حفظ شود و در لابه‌لای تشریفات و ادارات مورد نیاز مدیریت جامعه از بین نرود و تضییع نشود. در حقیقت این تعامل میان حقوق حاکمیت و حقوق افراد است. اینجاست که حقوق شهروندی مورد توجه و عنایت قرار می‌گیرد و نقش دستگاه قضائی و حقوق قضائی در این بخش بیش‌تر نمایان می‌شود.

### **برخی جلوه‌های حقوق شهروندی در قوانین ایران**

بخش نامه‌ها و دستورات نشان می‌دهد که نظام قضایی کشور ما به حقوق شهروندی توجه ویژه دارد، حق دادرسی عادلانه، حق دفاع و استفاده از وکیل، رعایت کرامت افراد در دستگاه قضایی، ممنوعیت شکنجه و هتک حیثیت افراد، کاهش استفاده از بازداشت موقت و نگاه اصلاحی به زندانی را از جمله حقوق شهروندی افراد برشمرد که در قانون اساسی و قانون حفظ حقوق شهروندی به آن اشاره شده است. یکی از وظایف قوه قضاییه حمایت از حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آزادی‌های مشروع افراد می‌باشد و کسب درآمد مشروع نباید تقبیح شمرده شود بلکه باید به عنوان

یک حق تلقی شود. این که مسوولان خود را مصون از انتقاد بدانند یا حاکمیت برای خود امتیازاتی قائل شود قطعاً در این جا حقوق شهروندی قربانی می شود. در این جا به چند نمونه از موارد حقوق شهروندی با توجه به حساسیت این موارد بیان می کنم:

### - دادرسی عادلانه

یکی از مهم ترین عناوین حقوق شهروندی، حق دادرسی عادلانه و دسترسی آسان و همگانی به آن است. اینکه انسان ها بتوانند در جامعه وقتی ظمی به آن ها شد، هم دسترسی آسان به دادرسی داشته باشند و هم آن دادرسی، دادرسی عادلانه باشد، موضوع بسیار مهمی است.

بحمدالله این موضوع در نظام ما شکل گرفته و وسعت و تنوع دادرسی هایی که در نظام قضائی و دادرسی جمهوری اسلامی وجود دارد، شاید بی نظیر باشد. در قانون ما به دادرسی های قضائی و محکمه ای، دادرسی شوراهای حل اختلاف و دادرسی تحکیمی اشاره شده؛ اما ساختارش ایجاد نگردیده است و به تازگی قوه قضائیه به دنبال آن است که این نهاد را احیا کند.

همچنین دادرسی براساس داوری داریم که آن هم تشکیلاتش در حال شکل گیری است و قانون مربوط به آن در مجلس دنبال می شود که در صورت تصویب، بسیار مفید خواهد بود و همین دسترسی آسان باعث توسعه دادرسی عادلانه می شود. در نظام قضائی این

موضوع نیز یکی دیگر از حقوق مهم شهروندان است؛ زیرا آن‌ها به راحتی می‌توانند به دادرسی به شکل مناسبی دسترسی پیدا کنند. گاه طرفین به دنبال صلح و سازش نیستند؛ بلکه می‌خواهند دادرسی محکمه‌ای داشته باشند و این مسأله بسیار مهمی است.

### **- حق دفاع و حق استفاده از وکیل در دعاوی**

عنوان دیگر در رابطه با حقوق شهروندی، حق دفاع و حق استفاده از وکیل در دعاوی است و خوشبختانه در سیاست‌های مصوب قوه قضائیه و در آیین دادرسی به‌طور صریح به استفاده از وکیل اشاره شده است. همچنین در همین قانون احترام به آزادی‌ها و حفظ حقوق شهروندی تصویب گردیده و در بخشنامه‌های گوناگون بر آن تأکید شده است.

تشکیلات و ملزوماتی که ایجاد شده، بحث قانون وکلا و ماده ۱۸۷ که کمک بزرگی به توسعه بحث وکالت و کارشناسی کرده از مسائلی است که باید به آن توجه کرد.

### **- حفظ کرامت انسانی**

رعایت کرامت افراد در دستگاه قضائی و حفظ حرمت انسان‌ها نیز در قانون حفظ حقوق شهروندی ذکر شده است.

### **- ممنوعیت استفاده از شکنجه**

موضوع ممنوعیت استفاده از شکنجه و حیثیت و حرمت کسانی

که به حکم قانون بازداشت شده‌اند، هم در قانون اساسی و هم در قانون احترام به آزادی‌ها و حفظ حقوق شهروندی آمده است. حق کاهش استفاده از بازداشت موقت در بند ۵ قانون حفظ حقوق شهروندی بیان شده است. حقوق زندانی، اصلاح مجرم و نگاه اصلاحی به زندانی هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی و بخشنامه‌ها آمده است.

#### - رعایت حقوق شهروندی در زندان

آوردن و بردن زندانیان از بازداشتگاه و زندان با دست بند و زنجیر و در منظر عام با روح کرامت انسان از نظر اسلام مخالف است. حالا ممکن است اصل اتهام این شخص مربوط به چک باشد. رفتار با زندانیان خیلی بد است، سرتراشی، لباس مخصوص پوشیدن نسبت به بسیاری از زندانیان، ناروا و تحقیرآمیز است. ما نباید هر کسی که وارد زندان شد او را یک مجرم و شرور بدانیم و هر چه بتوانیم او را تحقیر کنیم. تمام این رفتارها باید تغییر کند تا دستگاه قضایی اسلامی و مورد اعتماد مردم داشته باشیم. احترام انسان را اصل قرار بدهیم، موارد بازداشت موقت باید مشخص شود، طلب وثیقه باید مضبوط باشد، چرا وقتی خود طرف وثیقه می‌آورد قبول نمی‌کنند و می‌گویند وثیقه خود شخص مورد قبول نیست و باید کس دیگری وثیقه بدهد قاضی فکر می‌کند با این کار احقاق حق کرده است، این چه عدالتی است. او با این قبیل



بازداشت های غیر موجه، ظلم کرده و سبب فساد بیشتر شده است. دستگاه قضایی برای اصلاح است ولی این گونه رفتارها موجب فساد می شود<sup>(۱)</sup>.

من تاکید داشتم کسی در بازداشت انفرادی نباشد، این خلاف مقررات اسلامی است اصلا زندان به نظر من میراث طاقت است اگر هم کسی ناچارا و به دلیل نوع جرمش مجبور به زندانی کردن او هستیم نباید با او بد رفتاری شود، نباید او را کتک زد، نباید او را آزار و اذیت جسمی و یا روحی داد. کسی حق ندارد با زندانیان بد برخورد کند خود امام علیه السلام هم می گوید شما اگر می خواهید کسی را اعدام کنید حق ندارید به او سیلی بزنید حق ندارید به او تعدی کنید. این در مورد همه صدق می کند فرق نمی کند چه سیاسی چه غیر سیاسی .

اجراء حکم زندان برای حفظ حقوق شهروندی در اختیار قوه قضائیه قرار دارد. امروز برای زندانیان و اصلاح و تربیت و آموزش آن ها هزینه های بسیار صرف می شود که سازمان زندان ها در این خصوص گزارش های بسیار خوبی دارد و باید با آن چه که در دنیاست، تطبیق داده شود که شاید در جهان بی نظیر باشد. من اعتقاد دارم که نباید به علوم تولید شده در بلاد کفر بی توجهی کرد. در خصوص، زندان در اسلام و حقوق زندانیان به لحاظ فقهی

---

۱ - سخنرانی در جمع روسای کل دادگستریهای سراسر کشور تاریخ ۸۰/۳/۲۳

و اعتقادی با هر نوع زندان مخالف هستیم و غیر از موارد استثنایی هیچ کس نباید زندانی شود اگر شد نباید با او بدرفتاری شود.

بخش مربوط به کانون اصلاح و تربیت بزه‌کاران زیر هجده سال اگر به‌طور دقیق از طریق صدا و سیما به دنیا ارائه شود، بی‌نظیر است. کسانی که از خارج برای بازدید به کشورمان می‌آیند، تعجب می‌کنند. ما در زمینه اطلاع‌رسانی بسیار ناقص‌ایم و نتوانسته‌ایم آن‌طور که باید و شاید خدمات ارزنده‌ای در خصوص حفظ حقوق شهروندی و حفظ حقوق زندانیان به جهان عرضه کنیم. این‌ها باید به جهانیان بازگو و منعکس شود و با آن‌چه در جاهای دیگر است، مقایسه گردد. بارها عرض کرده‌ام در معاضدت‌های قضائی و استرداد و تبادل زندانیان با کشورهای دیگر، زندانیانی که از آنها تحویل می‌گیریم، معمولاً نیمه‌جان هستند، در حالی که مرتکب جرائم امنیتی و یا جرائم آن‌چنانی نشده‌اند؛ بلکه جرائم آنها در زمره جرائم معمولی بوده است. جرم‌شمار زیادی از آنها ورود غیرمجاز به آن کشورها بوده نظم اجتماعی زندان و حکم قضائی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که مقررات و قانونش منجر به ظلم و ستم نگردد.

#### **- ممنوعیت بازداشت افراد توسط پلیس**

در بیش‌تر کشورهای دنیا اختیاراتی که به دستگاه اجرائی، پلیس و وزارت کشور داده می‌شود، نامحدود است و قوه قضائیه هیچ دخالتی در آنها ندارد، در حالی‌که این موارد در قانون اساسی ما

محدود شده است. از جمله افتخارات بزرگ قانون اساسی ما آن است که حتی در جرائم مشهود، ضابط قضائی و پلیس حق ندارند متهم را بیش از ۲۴ یا ۴۸ ساعت در بازداشت نگه دارند؛ مگر به حکم قاضی. این گونه است که قضاوت و عدالت به حکم قاضی - که حکمی عادلانه است - ارتباط می یابد و تفاوت تشکیلات ما با تشکیلات دیگر کشورها در همین موضوع است.

در یکی از سفرهای ما، سفیر می گفت که یکی از هموطنان به طور غیرمجاز وارد آن کشور گردیده و دستگیر شده است و هشت سال است که در زندان پلیس به سر می برد. این موضوع را به رئیس دیوان عالی آن کشور اطلاع دادیم که گفت، از آن جا که پلیس مجزا از ماست، هیچ اقدامی نمی توانیم انجام دهیم. قانون اساسی کشور ما برای کسی که جرمی را مرتکب شده، این گونه حرمت قائل گشته است.

در جرائم غیرمشهود ضابط ابتدا باید مجوز قضائی دریافت کند؛ اما اگر جرمی مشهود باشد، طبق قانون با مرتکب برخورد و وی را دستگیر می کند؛ اما ظرف مدت ۲۴ ساعت باید گزارش خود را به دادسرا ارائه نماید تا قاضی وارد کار شده و قوانین قضائی را اجرا کند.

#### **- ممنوعیت تفتیش عقاید و دخالت در حریم خصوصی**

ممنوعیت تفتیش عقاید و دخالت در حریم خصوصی افراد

یکی از اصول قانون اساسی ماست که این موضوع در قوانین عادی تا اندازه زیادی مورد توجه قرار گرفته و تصویب شده است؛ البته ممکن است در قسمت‌هایی هم خلاف آن عمل شود.

### - تفهیم اتهام متهم و داشتن وکیل تسخیری

حق تفهیم اتهام متهم و داشتن وکیل تسخیری در آیین دادرسی ما مورد توجه قرار گرفته است.

### - حق علنی بودن محاکمات

و به حق علنی بودن محاکمات در قانون اساسی اشاره شده است؛ مگر آنکه قاضی احساس کند این امر خلاف مسائل امنیتی است و یا طرفین دعوا خود حاضر به قبول این موضوع نشوند.

### - حقوق خانواده

توجه ویژه به حقوق خانواده و اطفال در رسیدگی‌های حقوقی و قضائی از ویژگی‌های قانون اساسی است. قانون [دادگاه] اطفال، قانون بسیار خوبی است که... در دادگاه اطفال تدوین و تصویب شده لایحه مربوط به آن نیز در قوه قضائیه به تصویب رسیده و به مجالس ارسال شده است که امیدواریم... به زودی به تصویب نهایی برسد. قانون حمایت از خانواده هم تدوین شده و لایحه قضائی آن در دولت به تصویب رسیده و به مجلس فرستاده شده است. عنایت ویژه‌ای که به‌ساختار دادگاه اطفال می‌شود، مسأله بسیار مهمی است

که بخشی از حقوق شهروندی در بعد قضائی را شامل می‌گردد.

### - پیش‌گیری از وقوع جرم

پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان نیز به‌عنوان حقی از حقوق عامه در قانون اساسی مورد توجه واقع شده.

### - حقوق شهروندی، حقوقی همه‌جانبه

دغدغه‌های رهبری، قانون اساسی، قوانین عادی و بخشنامه‌هایی که صادر شده، نشانگر اهمیت حقوق شهروندی در زوایای مختلف تشکیلات امنیتی و انتظامی است و سعی می‌شود این حقوق مورد تضییع قرار نگیرد. اگر هم به جهت بی‌نظمی، فقدان امکانات و ملزومات رخوتی در احیاء این حقوق دیده شود، مقام رهبری به موضوع توجه نموده و در خصوص آن فرمان و دستور می‌دهد. این امر طبیعت نظام اسلامی ما - که یک نظام مبتنی بر عدالت، کرامت انسان و حفظ حقوق انسان‌ها و شهروندی است - می‌باشد و ماهیت خود را در این می‌بیند که این حقوق را در همه ابعاد حتی بعد اقتصادی ارائه دهد. گاه این تصور به وجود می‌آید که در بعد اقتصادی نیاز نیست به مالکیت‌ها توجه شود، در این هنگام است که مقام رهبری اعلام می‌دارد از مالکیت و سرمایه‌گذاری مشروع باید حمایت شود و حرمت آن حفظ گردد. باید به این مسائل هم در قوانین مصوب و هم در ساختارهایی که تشکیل می‌دهیم، توجه داشته باشیم تا این حقوق تضییع نشوند. این

موضوع نظام قضائی و حاکمیت اسلامی را از دیگر نظام‌ها ممتاز می‌کند. بیش‌ترین ضربه نیز زمانی به نظام اسلامی وارد می‌شود که حاکمان، قضات، مسئولان و مدیران اجرائی در هر بخشی این حساسیت را از دست بدهند و در ساختارها و تشکیلات تنها به حاکمیت توجه شده و مردم جایگاهی نداشته باشند. اینجاست که قوای مقننه، مجریه و قضائیه باید در رابطه با حفظ حقوق شهروندی به دنبال یک برنامه‌ریزی ویژه باشند و به آن توجه نمایند.

باید این حساسیت ایجاد شود که در کل بدنه قوای حاکمیت اولین چیزی که مدنظر قرار می‌گیرد، حفظ حقوق مردم باشد و فقط به فکر قدرت دستگاه و سازمان قضائی نباشند؛ ولی وقتی تشکیلات، اداره، وزارتخانه، و دادگستری ناخودآگاه ایجاد شود، خودبه‌خود امکانات، قوانین و ملزومات طوری تنظیم می‌گردند که این تشکیلات دارای اختیارات زیادی می‌شوند و هنگامی که تخلفی صورت گیرد، مطلق نگاه کردن به این بخش منجر به تضییع حقوق افراد می‌شود و این خلاف حقوق شهروندی است. باید دقت شود که حقوق مردم حداقل در حد ضروری حفظ گردد.

#### **وظیفه قاضی جلوگیری از تضییع حقوق مردم**

وقتی قاضی پشت میز قضاوت نشست، باید بداند این سمت

را به این دلیل به او داده‌اند که به حقوق مردم رسیدگی کند تا این حقوق تضییع نگردد. وی نباید خود را در مقامی ببیند که مصون از هرگونه اعتراض و اشکال است؛ زیرا این همان قربانی شدن حقوق شهروندی در تشریفات اداری است. این دید، دید حکومت اسلامی و حاکمیت اسلامی است. این شیوه نگرش، دید حضرت علی علیه السلام بوده است، از این رو باید همه سعی ما در جهت خدمت به مردم با کم‌ترین هزینه و کم‌ترین تشریفات باشد. بسط و توسعه بی‌اندازه ادارات و تشکیلات اداری هزینه‌هایی را در بر دارد که بار آن را مردم متحمل می‌شوند. در این صورت حقوق شهروندی قربانی تشریفات اداری زائد می‌گردد و این موضوع از جمله امتیازاتی است که حاکمیت‌ها برای خود قائل می‌شوند.

پس از آن، دیدگاه‌ها تغییر یافته و حساسیت‌ها نسبت به حقوق مردم از بین می‌رود. باید باور داشته باشیم که حاکم در نظام اسلامی خادم خدا و مردم است. مشخص است که خادم تشریفات خود را بیشتر از مخدوم نمی‌کند؛ چرا که شأنی بالاتر از مخدوم ندارد. مولا علی علیه السلام هنگامی که وارد کوفه شدند، عده‌ای از طاغوتیان که بر مردم حکومت می‌کردند، تشریفات خاصی برای ایشان به راه انداختند. در این زمان حضرت به آنان نهیب زدند و فرمودند که من مسؤول خدمت به مردم هستم و این ایده و روش را تا پایان زندگی خود حفظ نمودند.

## اهمیت ملاقات های مردمی از حیث ایجاد حق و اعاده حق به صاحب آن و حفظ حقوق شهروندی

از ۱۵ هزار و ۵۷۳ فقره پرونده ای که در ۲۵۰ جلسه ملاقات مردمی بررسی شد، برای ۱۱ هزار و ۲۷۲ فقره پیشنهاد عفو صادر کردیم. ملاقات های مردمی از اجحاف ظلم و اشتباهاتی که به صورت سهوی در آرای قضات بود، جلوگیری می کرد. ملاقات های ما به صورت هفتگی و مستمر از آذرماه سال ۸۲ ادامه داشته است، حاصل این جلسات رسیدگی به ۱۵ هزار و ۵۷۳ پرونده از سوی ما بوده است که در ۱۱ هزار و ۲۷۲ پرونده، پیشنهاد عفو صادر شد. این ملاقات ها از حیث آسیب شناسی دستگاه قضایی بسیار نتیجه بخش بوده است، به طوری که رییس قوه قضاییه از کاستی ها و مشکلات قضایی آگاه و توانست به آسیب شناسی برسد. نظارت محسوس رییس قوه قضاییه بر نتیجه کار دستگاه قضایی را از دیگر فواید این ملاقات ها می باشد این ملاقات ها از جهت آگاه شدن از نوع برخورد و تکریم ارباب رجوع در دستگاه قضایی بسیار حایز اهمیت بود. همچنین این ملاقات ها از حیث ایجاد حق و اعاده حق به صاحب آن بسیار چشمگیری بود، به طوری که در موارد بسیار متعددی در این ۱۵ هزار ملاقاتی که شکل گرفت، از اجحاف و ظلم های و اشتباهاتی که در صدور برخی از اهداف صورت گرفته بود جلوگیری به عمل آمد. ایجاد اطمینان و اعتماد سازی مردم نسبت به دستگاه قضایی از دیگر فواید این جلسات بود.



### حقوق شهروندی نباید قربانی امنیت شود

باید مرزی بین حقوق شهروندی و امنیت وجود داشته باشد تحت عنوان امنیت، حاکمیت نمی تواند حقوق افراد را نادیده بگیرد و حقوق شهروندی نباید قربانی امنیت شود باید مرزی بین عدالت و امنیت وجود داشته باشد. حاکمیت نمی تواند حقوق افراد را نادیده بگیرد و به بهانه ی برچسب زدن امنیتی بودن پرونده حقوق شهروندی را پایمال کنند نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی هیچ گاه چنین حقی ندارند چون ما می دانیم که از راه های غیرمشروع و معصیت نمی شود یک حق را به دست آورد و این جاست که مرز دقیق حقوق شهروندی مشخص می شود. و این مسأله خیلی ظریفی است.

### تضییع حقوق شهروندی در تشریفات اداری و اجرایی

حقوق فردی افراد نباید در لابلای تشریفات اداری و تکالیف کلان مدیریت جامعه از بین برود، ما بیش از ۱۴۰ اصل از قانون اساسی داریم که به موضوع حقوق شهروندی مربوط می شود هم چنین فرمان ۸ ماده ای امام علیه السلام در سال ۱۳۶۱ که در آن به صورت شفاف و صریح مسایل اساسی تحت عنوان حقوق شهروندی مطرح و قانون حفظ حقوق شهروندی از روح آن اتخاذ شده است. وقتی دایره کلان و وسیع حقوق شهروندی مطرح می شود تنها وظیفه

قوه قضاییه نیست بلکه همه قوا باید در این زمینه اقدام کنند. من متاسف هستم از این که به طور کامل نتوانسته ایم قانون اساسی را اجرا کنیم، آن چه امروز مشکل کشور است اصل حقوق شهروندی و حقوق بشر نیست بلکه بیشتر چالش و مشکل در اجرای آن حقوق است یعنی در مقام اجرا این حقوق تضييع می شود. همه این تضييع ها به معنای تخلف حاکمیت و مجریان نیست، بلکه مسأله مهم تر آن است که در مقام اجرا به مقررات و ساختارهای مناسب توجه نشده و به این موضوع اولویت داده نشده است.

وقتی تشریفات قضایی به گونه ای باشد که مراحل دادرسی را طولانی کند حقوق افراد تضييع می شود. مسایل امنیتی و انتظامی نیز خیلی وقت ها این حقوق را از بین می برد. اگر شکل مسایل انتظامی به گونه ای باشد که تحت عنوان امور انتظامی و امنیتی برخوردهایی شود که بیش از اقتضای مسأله باشد حقوق شهروندی تضييع می شود. انقلاب اسلامی ایران برای احیای حقوق شهروندی آمده است، اگر حکومتی تحت عنوان حفظ امنیت مسوولان و امنیت های اجتماعی وهمی، این حقوق را پایمال کند دیگر حکومت اسلامی نیست. اصل، کرامت انسان هاست و سایر مسایل باید در خدمت احیای کرامت باشد. حقوق انسان ها قطعاً در تقابل با حقوق اجتماعی و حاکمیت قرار می گیرد و این جاست که مشخص می شود حاکمیت چقدر به حقوق انسان ها اهمیت می دهد. در مواردی نیز حقوق شهروندی در تشریفات اداری و اجرایی و حتی قانونی

پایمال می‌شود. وقتی تشریفات قضایی به گونه‌ای باشد که مراحل دادرسی را طولانی کند حقوق افراد تضییع می‌شود. مسایل امنیتی و انتظامی نیز خیلی وقت‌ها این حقوق را از بین می‌برد.

### تقسیم بندی حقوق شهروندی

ما قبلا در کتابی که مربوط به حقوق شهروندی است تقسیم بندی هایی را برای رعایت این حقوق انجام دادیم<sup>(۱)</sup>. در این جا لازم می‌بینم به قسمت هایی از آن تقسیم بندی اشاره کنم.

**الف - حقوق مدنی و سیاسی:** این حقوق شامل آزادی مذاهب و ادیان در انجام اعمال و مناسک خود، مساوی بودن مردم از هر قوم و قبیله و رنگ و نژاد و زبان، مصونیت حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مگر با تجویز قانون، ممنوعیت تفتیش عقاید، آزادی نشریات و مطبوعات، ممنوعیت دخالت در حریم خصوصی افراد، آزادی جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی، صنفی و اقلیت‌های مذهبی، آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، حق داشتن تابعیت ایرانی برای هر فرد ایرانی، می‌شود.

**ب - حقوق اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی:** شامل داشتن حق آزادی انتخاب شغل، برخورداری از تأمین اجتماعی، فراهم شدن

---

۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک. به هاشمی شاهرودی، سید محمود، شهروند محوری در عرصه عدالت

وسایل آموزش و پرورش رایگان برای تمام شهروندان توسط دولت، حق داشتن مسکن متناسب با نیاز هر فرد و استواری اقتصاد ایران بر اساس تأمین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش و پرورش، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و تأکید بر تولیدات کشاورزی دامی و صنعتی.

**ج - حقوق قضایی:** حقوق قضایی را بر مبنای قانون اساسی به دسته های زیر تقسیم کردیم:

- تأمین حقوق همه جانبه افراد زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون (اصل سوم).

تدوین کلیه مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و بر اساس موازین اسلامی (اصل چهارم).

- حمایت قانون از همه افراد ملت اعم از مرد و زن (اصل بیستم).

- ایجاد دادگاه صالح جهت بقای خانواده (اصل بیست و یکم).

- ممنوعیت دستگیری و بازداشت بدون حکم قانون (اصل سی دوم).

- ممنوعیت تبعید یا اقامت اجباری مگر به حکم قانون (اصل سی و دوم).

- حق دسترسی همه افراد ملت به دادخواهی و دادگاه های

صالح ( اصل سی و چهارم).

- حق دسترسی به وکیل (اصل سی و پنجم).

- حاکمیت اصل برائت (اصل سی و هفتم).

- ممنوعیت شکنجه و اجبار به شهادت، اقرار یا سوگند (اصل سی و هشتم).

- ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت کسانی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی و یا تبعید شده اند (اصل سی و نهم).

- حق شکایت از طرز کار مجلس، قوه مجریه یا قضائیه (اصل نودم).

- علنی بودن محاکمات مگر آنان که منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشند (اصل یکصد و شصت و پنجم).

- اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین (اصل یکصد و شصت و نهم).

- جبران خسارت توسط قاضی در اثر تقصیر و اشتباه او و وارد شدن ضرر مالی و به دیگری (اصل یکصد و هفتاد و یکم).

#### **اهمیت نقش شوراها در حفظ حقوق شهروندی**

شوراها در مدیریت اسلامی نیز دارای جایگاه خاصی هستند و در قانون اساسی نیز اصول متعدد بر آن تاکید کرده است. تشکیل

شوراها و اداره امور کشور بر اساس شوراهای مردمی برکات و فواید بسیاری داشته و دارد، ما نیز در خدمت‌رسانی قضایی از ابتدا این موضوع را احساس کردیم و هنگامی که شوراهای حل اختلاف تشکیل شد اهمیت استفاده از این ظرفیت بیشتر روشن گشت و اگر از این ظرفیت به خوبی استفاده شود هم به نفع مردم و هم به نفع نظام است.

به نظر من دو مبنای بسیار مهم برای شوراها وجود دارد، نخست مشارکت و نظارت مردم در امور مربوط به خود و حل و فصل مسائل خود که سبب افزایش احساس مسوولیت، استفاده از استعدادها و ظرفیت‌ها و دلبستگی به نظام می‌شود.

ما باز تاکید می‌کنیم که مردم در حاکمیت حق سوال و نظارت دارند، همه مردم در برابر خداوند و مقاصد بلند اسلامی مسوولیت دارند و اگر برای این شوراها به خوبی فرهنگ‌سازی و مدیریت‌سازی شود دارای برکات بسیاری است، مثلاً از طریق شوراها حق و حقوق مردم و حقوق شهروندی بهتر، سهل‌تر و سریع‌تر رعایت خواهد شد تا اینکه همه امور به دستگاه‌های حکومتی واگذار شود البته در نظام اسلامی دستگاه‌های حکومتی نیز برخاسته از مردم هستند.

یکی از اصول فقه سیاسی اسلامی این است که مسوولان خادم ملت هستند، رهبران مومن و صالح اسلامی چه در تاریخ سیاسی اسلام و چه در تاریخ معاصر این را نشان داده‌اند و افتخار خود

را در خدمت‌رسانی بیشتر و مخلصانه‌تر می‌دانند، اما در کوران کار، دستگاه‌های حاکمیتی و دولتی هنگامی که متصدی امور مردم می‌شوند ممکن است مقداری از توجهات، اجراها و قوانین صرف خود تشکیلات حکومتی شود.

چون شوراهای از سوی مردم انتخاب شده و به طور مستقیم درگیر مسائل خدماتی و رفاهی مردم هستند، درد و نیاز مردم را بهتر و بیشتر درک می‌کنند، آن‌ها سعی می‌کنند که مقاصد به گونه‌ای تأمین شود که حقوق مردم نیز حفظ شود بنابراین شوراهای در یک سیستم مدیریت اسلامی تعادلی را ایجاد می‌کنند که دستگاه‌های حاکمیتی یکه و تنها در میدان نوازند و در مقابل، وقتی دستگاه مدیریتی بخواهد بیشتر از اختیارات سلب بعضی از حقوق کند، کسی باشد.

وظیفه اصلی شوراهای باید این باشد که چگونه حقوق شهروندی مردم در مقابل دستگاه‌های حاکمیتی حفظ شود. حقوق عامه اهمیت فراوانی دارد و ممکن است دستگاه‌ها در قانونگذاری و اجرا کمتر به آن توجه کنند، بنابراین یکی از شیوه‌های بهتر حفظ حقوق عامه، شوراهای هستند.

هر چه بیشتر به فلسفه وجودی شوراهای، توجه کنیم در می‌یابیم که نباید شوراهای دارای تشکیلات عریض و طویلی شوند که مسائل مهم کمتر مورد توجه قرار گیرد. اینجاست که ایده مشارکت مردم در امور خود کاملتر، سریعتر و بهتر شکل می‌گیرد.

دغدغه اصلی شوراهای حل اختلاف در دستگاه قضایی نیز یکی از افتخارات سیستم قضایی کشور است. ما با توجه به میزان ورودی پرونده به دستگاه قضایی و برای هر چه کمتر کردن تعداد پرونده‌ها در دادگستری‌ها بحث شورای حل اختلاف را مطرح کردیم و در نهایت این شورا احیا و فعالیت خود را آغاز کرد، علاوه بر فعالیت چشم‌گیر شوراهای حل اختلاف، ما به تدریج افزایش تعداد پرونده‌ها را شاهد بودیم.

#### **بهداشت قضایی تضمین کننده رعایت حقوق شهروندی**

ما احساس کردیم یک بیماری در کل سیستم‌های مدیریتی کشور در رابطه با حقوق مردم وجود دارد، باید توجه داشت تا زمانی که جلوی ویروس‌ها گرفته نشود امنیت حقوقی، اقتصادی، مالی و ... تحت تاثیر ویروس‌ها قرار خواهد گرفت و تکثیر دادگاه‌ها اثری نخواهد داشت.

شهرداری‌ها، گمرکات، بانک‌ها، بیمه و اداره ثبت اسناد و املاک از جمله دستگاه‌های ورودی حقوق مردم هستند اگر این ورودی‌ها اصلاح بهداشتی نشود ما با افزایش دادگاه و شوراهای حل اختلاف به جایی نمی‌رسیم.

نامنی‌های حقوقی موجود در جامعه زیاد شده باید با انجام



اقدامات مقتضی اجازه ندهیم تولید پرونده داده شود. ما در دستگاه قضایی به این نتیجه رسیدیم که باید بهداشت حقوقی را از سیستم‌های مبادی ورودی حقوق مردم شروع کنیم و ساختارهای مناسب در سیستم‌های مبادی ورودی ایجاد شود. در سایر نقاط دنیا نیز ساختارهای این نهادها به گونه‌ای تدوین شده که افراد نمی‌توانند به راحتی اقدام به کار خلاف کنند نه اینکه می‌توانند و انجام نمی‌دهند.

شوراها و شهرداری‌ها نیز توجه هر چه بیشتر به بهداشت حقوقی را برای رعایت حقوق شهروندی در برنامه‌های خود قرار دهند و اگر در مواردی حقی تضعیف شده باید ریشه آن را یافت. همچنین باید ریشه مشکلاتی که تضعیف حقوق شهروندی را در کشور را ایجاد می‌کند نیز پیدا کرد.

#### **دادستان مدعی‌العموم مردم و مدافع اصلی حقوق شهروندی**

تشکیلات مدعی‌العمومی و دادستان‌ها که قضات ایستاده هستند باید همواره این بینش و باور و فرهنگ را داشته باشند که مدعی‌العموم مردم هستند نه مدعی‌العمومی حاکمیت و دولت. دو بینش و دو برداشت نسبت به جایگاه مدعی‌العموم و دادستانی و کلاً بخش دادرسی و نظام قضایی وجود دارد: یکی اینکه مدعی‌العموم، مدعی‌العموم حقوق دولت (دولت به معنای حاکمیت) است، شاید

برداشت اولیه از دادستانی و داسراها این چنین بوده و از همین رو داسراها جزئی از قوه مجریه بودند.

بینش دیگر این است که مدعی العموم، مدعی العموم عدالت و حقوق شهروندان است، عدالت و حقوق شهروندی در اصل متعلق به مردم و جامعه است و دولت‌ها هم در حقیقت با یک نوع استیذان از مردم، متولی امور آن‌ها می‌شوند.

وقتی بینش دوم مبنا قرار گیرد دیگر همواره دغدغه و فکر و ذکر و هم دادستان و مدعی العموم این است که بداند حقوق مردم کجاست. خیلی جاها ممکن است یک نهاد مقتدر حکومتی حقوق مردم را نادیده بگیرد و به حقوق مردم تجاوز کند. اینجا مدعی العموم به میدان می‌آید و علیه آن نهاد که جزئی از حاکمیت است برای تحصیل حقوق مردم طرح دعوی می‌کند. نگاه مدعی العموم به حقوق قانونی مربوط به دولت که مردم آن را به دولت تفویض کرده‌اند نیز از همین زاویه است و اگر دولت بخواهد حق خود را توسعه دهد و بیش از مقداری که به او تفویض شده آن را اعمال کند، مدعی العموم باید جلوی آن را بگیرد.

این دید منشا آن شده است که نهاد دادستانی به تدریج از قوه مجریه جدا شود و جزو قویه قضائیه قرار گیرد. در قانون اساسی ما همه بخشهای دستگاه قضایی اعم از نظارتی و اجرایی و محاکم و دادستانی و همه امور آن از قوه مجریه مجزا شده و استقلال کامل و

مطلق به دستگاه قضایی داده شده است. شاید در هیچ کجای دنیا، این چنین استقلال عریض و عمیق و هم جانبه‌ای برای قوه قضائیه نباشد، این از امتیازات نظام قضایی ماست.

همچنین در قانون اساسی ما در بخش وظایف قوه قضائیه تصریح شده است که احقاق حقوق شهروندی و دفاع از آزادیهای مشروع جزء وظایف این قوه است. پس در قانون اساسی خیلی روشن و شفاف، این مبنا و این بینش از ابتدا به قضات و مدعی‌العموم داده شده است که شما حافظ آزادی‌های مشروع مردم و حافظ حقوق عامه شهروندی هستید. دستگاه قضایی تحت این عنوان متصدی جایگاه مدعی‌العمومی است نه به عنوان جزئی از حاکمیت و حافظ حقوق دولت و دستگاه اجرایی. مدعی‌العموم به حقوق دولت نیز به عنوان یک نهاد ذیحق در حدود حق قانونی او با همین بینش و درک نگاه می‌کند. این استقلال دستگاه قضایی و نگاه قضایی به همه دادگستری حتی بخش دادرایی آن، براساس این فلسفه و این مبناست.

اگر ما این بینش را در نظام قضایی فرهنگ کنیم و قضات این نکته را خوب درک کنند که مدعی‌العموم عدالتند، وام‌دار عدالت و مردم و حقوق جامعه شهروندی هستند، آن وقت در پیگیری‌ها و بررسی‌ها و دادرسی‌هایی که در دستگاه قضایی انجام می‌گیرد این‌گونه نخواهد بود که جانب دستگاه‌های اجرایی گرفته شود.

معمولا در هر دعوا و اختلافی در هر عرصه‌ای از نظر حقوقی، آن طرفی که اقتدار و قدرت مالی یا سیاسی یا امنیتی بیشتری دارد راحت‌تر می‌تواند حقوق خود را بدست آورد و راحت‌تر هم می‌تواند به حقوق دیگران تجاوز کند. در این قضیه، طرف ضعیف است که بیشتر نیاز به عدالت قضایی دادرها دارد که به عنوان مدعی‌العمومی حق او را حفظ کند و به او برگرداند. این دید می‌تواند از سوءاستفاده‌هایی که ممکن است عمدا یا سهوا یا غفلتا از نارسایی‌های قوانین حاصل شود، جلوگیری کند.

قانون اساسی به نظر من در این قسمت مبانی خیلی روشن و شفاف و صریحی دارد: یکی همین استقلال مطلق دستگاه قضایی از دستگاه‌های دیگر در همه مراحل و بخش‌های خود است. یکی دیگر، وظایف گسترده‌ای است که به عهده قوه قضائیه گذاشته شده است و در این وظایف و مسئولیت‌ها بر بحث احقاق حقوق عامه، حقوق شهروندی، آزادی‌های مشروع، تکیه شده است. نظارت و ابزار کاری که برای آن در اختیار قوه قضائیه داده شده در خیلی از کشورها در اختیار قوه مجریه است، ولی در قانون اساسی ما سازمان بازرسی که بر دستگاه‌های اجرایی نظارت دارد و دیوان عدالت اداری که به تظلمات مردم علیه دولت و تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دولت رسیدگی می‌کند، اجرای احکام و سازمان زندان‌ها، همه در اختیار قوه قضائیه قرار داده است. در اصل ۱۷۰ نظر قاضی را در فهم اینکه فلان مصوبه دولت برخلاف قانون

است یا نه، میزان و حجت قرار داده است. هرگاه فصول قانون اساسی مربوط به قوه قضائیه را برای محافل حقوقی و قضایی دیگر کشورها تشریح می‌کنیم، از وسعت اختیارات و کیفیت استقلال دستگاه قاضی ما تعجب می‌کنند.

اصول گوناگون قانون اساسی، دادسرا و دادگاه و مدعی‌العموم و کل دستگاه قضایی را به این سمت سوق می‌دهد که استقلال خود را حفظ کند و خود را مدعی‌العموم حقوق شهروندان و احکام الهی بداند.

این نکته مهمی است که باید به عنوان فرهنگ جا بیفتد. ما در خیلی از پرونده‌هایی که در نظارت و پیگیری حوزه ریاست قوه قضائیه مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، مشاهده می‌کردیم که نظر قاضی به راحتی به نفع دولت می‌چرخد و می‌چربد. در دعوایی که مثلاً بین یک دستگاه دولتی و بخش خصوصی است یا مثلاً در مواردی که روشن است یک دستگاه دولتی کاری را انجام داده که موجب تضییع حقوق بخشی از مردم شده است، دادسرا یا دادستان هیچ توجهی نمی‌کند. اینجا حقوق شهروندی از بین رفته، مثلاً جاده طوری ساخته شده که موجب تصادفات زیادی می‌شود، این جا برای جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان، دادسرا باید به میدان بیاید. حفظ حقوق شهروندان که در قانون اساسی آمده یعنی چه: یعنی اگر آزادی‌های قانونی و شرعی مردم به وسیله دستگاهی

سلب شود، دادسرا باید به میدان بیاید و علیه آن دستگاه اقامه دعوا کند. در این گونه مسایل غالباً دادسرای ما و قضات ایستاده کمتر توجه می‌کنند، به سبب همان برداشت نادرست است که دادسرا و مدعی‌العموم فکر می‌کند مدعی‌العموم دولت است. در حالی که این‌گونه نیست و مدعی‌العموم، مدعی‌العموم عدالت است و دولت هم به عنوان یک نهاد، هر جا در حدود قانون حق دارد باید حق او را گرفت و هر جا که حق دیگری ضایع شده، باید حق او را نیز گرفت. این یک مسئله اساسی و بینش اصلی است که باید به درستی جا بیفتد.

#### **ضرورت اهتمام بیشتر دادسراها در پاسداری از حقوق شهروندی**

از وظایف بسیار مهم دادسرا، توجه به حقوق عامه است، دادسراها باید بروند به طرف اینکه ببینند حقوق عامه در کجا نقض می‌شود. این غیر از مسایل مربوط به امنیت عمومی و سیاسی جامعه و نظام است. دستگاه‌های اجرایی عریض و طویل ادارات، وزارتخانه‌ها، چه حقوق شهروندی، چه حقوق عمومی - تماس دارند. در مقدمات و فصل قانون اساسی شاید حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ عنوان حقوق مردم و حقوق شهروندی ذکر شده است. حق مردم در آموزش و پرورش، حق مردم در مسکن، حق مردم در ... ، دادسرا باید این حقوق را فهرست کند و مقابل خود بگذارد و ببیند این حقوق در کجا نقض می‌شود، کجا امکان اعمال این حقوق بوده

و اعمال نشده است، آن‌ها را از مسئولان ذیربط مطالبه کند.

احیای حقوق عامه و حقوق شهروندی و جلوگیری از سلب این حقوق بوسیله هر دستگاه اجرایی، مسئله بسیار مهمی است که باید به آن توجه شود، ضمن اینکه حقوق مردم به دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی کشور نیز باید عادلانه رسیدگی شود. یک چشمی نگاه نکنیم، هر دو جانب باید مراعات شود. حفظ کرامت انسانی و تعامل صحیح در روند رسیدگی دادرها بحمدالله در قانون حقوق شهروندی آمده است، البته در قوانین دیگر ما هم بوده ولی در این قانون تجمیع شده است.

کیفیت احضار، بازجویی، تحقیق، ورود به حریم خصوصی افراد بوسیله ضابطان و خود دادرها در مواردی که لازم است، رفتار دادرها و دادگاه و برخورد کلامی با اطراف دعوا، مسایل بسیار ظریف و بسیار مهمی است که اگر درست انجام نگیرد و خدای ناکرده با روش نادرست و غیرمنطقی و ناسازگار با مبانی ارزشی ما شکل بگیرد، علاوه بر اشکال شرعی، هم از نظر اجتماعی پیامدای نامطلوبی دارد و هم دنیا روی آنها انگشت می‌گذارند و بحث حقوق بشر و امثال آن را پیش می‌کشند.

در این قسمت بحمدالله تحولات خوبی صورت گرفته و بهتر هم می‌شود - مخصوصاً بعد از توجه دادن به قانون حقوق شهروندی و نظارت بر دستگاه‌های ضابط قوه قضائیه و تشکیل

بخش‌های رسیدگی به نقض حقوق شهروندی - ولی هنوز هم با آن نقطه مطلوب و ایده‌آل اسلامی فاصله داریم. ما می‌توانیم با تدبیر و برنامه‌ریزی و با استفاده از روشهای مدرن روز، شفافیت و سرعت و دقت و رسیدگی‌ها را بیشتر کنیم. کشف حقیقت از راه‌های علمی به جای استفاده از راه‌های غیرعلمی از نظر فقهی بهتر و دقیق‌تر است و این هزینه‌های گوناگون اجتماعی و اخلاقی و خیلی وقت‌ها مالی را هم ندارد.

امروز یکی از دغدغه‌های دادرهای دنیا و کلا نظام‌های قضایی دنیا همین حقوق شهروندی است، در عدالت قضایی روی این تکیه کرده‌اند و همیشه سعی می‌کنند اختیارات قضات و ضابطین را محدود کنند. در این آیین دادرسی ما هم، محدودیت‌های بسیاری قرار داده شده و در همین قانون حقوق شهروندی هم بر آن‌ها افزوده شده، ولی باز این‌ها کافی نیست. کیفیت اجرا نیز نیاز به نظارت و تدابیر اجرایی دارد، قانون که نمی‌تواند الفاظ گفتگوی دادیار و متهم را نیز تعیین کند، این‌ها باید در عمل به تدریج فرهنگ شود. به آن چه در قانون آمده عمل شود و آن چه هم در قانون نیست باید در آموزش‌ها، در دستورالعمل‌ها، در عرفی که برای دادرها و دادگستری ایجاد می‌کنیم به تدریج اجرا شود به طوری که هم اطراف دعوا نسبت به یکدیگر، هم قضات و دادستان‌ها هم وکلا این حقوق را بشناسند و حرمت بگذارند.



## مصون دانستن مسؤلان از انتقاد، حقوق شهروندی را قربانی می‌کند

همانگونه که قبلاً گفتیم آن چه امروز مشکل کشورهاست اصل عدالت و حقوق نیست بلکه بیشتر چالش و مشکل در اجرای آن حقوق است یعنی در مقام اجرا این حقوق تزییع می‌شود. اگر شکل مسایل انتظامی به گونه ای باشد که تحت عنوان امور انتظامی و امنیتی برخوردهایی شود که بیش از اقتضای مسأله باشد حقوق شهروندی تزییع می‌شود. حکومت برای احیای حقوق شهروندی آمده است، گفت: اگر حکومتی تحت عنوان حفظ امنیت مسوولان و امنیت های اجتماعی وهمی، این حقوق را پایمال کند دیگر حکومت اسلامی نیست. اصل، کرامت انسان هاست و سایر مسایل باید در خدمت احیای کرامت باشد، حقوق انسان ها بعضا در تقابل با حقوق اجتماعی و حاکمیت قرار می‌گیرد و این جاست که مشخص می‌شود حاکمیت چقدر به حقوق انسان ها اهمیت می‌دهد. از راه های غیرمشروع و معصیت نمی‌شود یک حق را به دست آورد و این جاست که مرز دقیق حقوق شهروندی مشخص می‌شود. این که مسوولان خود را مصون از انتقاد بدانند یا حاکمیت برای خود امتیازاتی قائل شود قطعاً در این جا حقوق شهروندی قربانی می‌شود.

### وقتی که شعار حقوق شهروندی می دهیم باید به آن عمل کنیم

زندان یک ظلم است نه تنها به زندانی که به بستگان زندانی. بستگان زندانی بیش از خود زندانی معذب می شوند. آبرویشان می رود. نان آورشان از دستشان گرفته می شود. در معرض تجاوز دیگران قرار می گیرند. هزینه های سنگین اجتماعی برایشان به بار می آورد. ضد نظام می شوند. به همه چیز بدبین می شوند. عقده ای می شوند. به جای اینکه از نیرویش استفاده شود زندانی هم بایکوت می شود. این روش غلط است. اسلام زندان وسیع نداشته است. اسلام می گوید مجازات کن و رها کن برود سر زندگی خودش، نه هزینه مالی بر دولت دارد و نه مشکلات خانوادگی و اجتماعی و مفاسد دیگر. در خصوص نحوه برخورد با زندانیان کسی حق ندارد با زندانیان بد برخورد کند خود امام هم می گوید شما اگر می خواهید کسی را اعدام کنید. حق ندارید بهش سیلی بزنید. حق ندارید بهش تعدی کنید. این در مورد همه صدق می کند فرق نمی کند چه سیاسی چه غیر سیاسی.

حقوق شهروندی که در قوه قضاییه طرح شد توقع این بود که تحولی هم ایجاد کند و اثر خوبی هم در دنیا بگذارد. مجلس باید آن را دنبال کند و در قانون گذاری آن را توسعه بدهد. وقتی که شعار حقوق شهروندی می دهیم باید به آن عمل کنیم. باید بقیه قوانین بر اساس آن اصلاح شوند. ما برای برخی تخلفات که

در دنیا جزو مسائل حقوقی است حکم زندان گذاشته ایم. هیچ جای دنیا برای چک کسی را به این راحتی زندان نمی فرستند ما برای چک زندان می کنیم. چک حقوقی است دعوای مالک و مستجر حقوقی است مهریه حقوقی است اما ما آنها را کیفری کرده می فرستیم زندان.

قوانین را باید اصلاح کرد اگر شعار حقوق شهروندی را قبول داریم باید بدانیم که این مسائل جزو حقوق شهروندی است. نمایندگان مجلس تمام قوانین را بر اساس آن اصلاح کنند. به عنوان نمونه عرض می کنم هیچ جای دنیا برای چک کسی را به این راحتی زندان نمی فرستند ما برای چک زندان می کنیم. چک حقوقی است دعوای مالک و مستجر حقوقی است مهریه حقوقی است اما ما آنها را کیفری کرده می فرستیم زندان. قوانین را باید اصلاح کرد اگر شعار حقوق شهروندی را قبول داریم باید بدانیم که این مسائل جزو حقوق شهروندی است. نمایندگان مجلس تمام قوانین را بر اساس آن اصلاح کنند.

## پیوست

### قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

اهمیت بخشنامه شماره ۱/۸۳/۷/۶ - ۸۳/۱/۲۰ به مراجع قضائی، انتظامی و اطلاعاتی کشور به حدی بود که دستگاه تقنینی کشور را که متولی امر قانونگذاری است بر آن داشت تا بخشنامه مذکور را بعنوان ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی با ۱۵ بند در مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ به تصویب رسانده است و متعاقب آن در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۶ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به تائید شورای محترم نگهبان رسید.

### متن کامل قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

#### ماده واحده

از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادرسیها و ضابطان قوه قضاییه مکلفند در انجام وظایف

قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانون و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳- محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده

است و ظرف مهلت مقررہ پروندہ بہ مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانوادہ دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف بہ آنان، اجتناب گردد.

۷- بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متہم یا بردن آنان بہ اماکن نامعلوم و کلاً اقدامهای خلاف قانون خودداری ورزند.

۸- بازرسی‌ها و معاینات محلی جهت دستگیری متہمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت بہ اسناد و مدارک و اشیایی کہ ارتباطی بہ جرم نداشته و یا بہ متہم تعلق ندارد و افشای مضمون نامہ‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.

۹- ہر گونه شکنجہ متہم بہ منظور اخذ اقرار و یا اجبار او بہ امور دیگر ممنوع بودہ و اقرارهای اخذ شدہ بدین وسیلہ حجیت شرعی و قانونی نخواہد داشت.

۱۰- تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوہ‌های علمی، قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی کہ ترتیبات و مقررات را نادیدہ گرفته و در اجرای

وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱- پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصس و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۳- محاکم و دادرها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیاء ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادرها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در

هیچ موردی نباید از آن‌ها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵- رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساع در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۲/۱۳۷۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

#### **دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی**

در بند ۱۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی راهکار اجرای قانون مذکور پیش بینی شده که براساس آن، ریاست محترم قوه قضائیه می‌بایستی هیاتی را به منظور نظارت بر حسن اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تعیین کند که آن هیأت وظیفه دارد در



صورت مشاهده تخلف از قوانین ، علاوه بر مساعی در اصلاح روش ها و انطباق آن ها با مقررات با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

با امعان نظر به این بند از ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و با درایت و دوراندیشی ریاست قوه قضائیه دستورالعمل اجرائی بند ۱۵ قانون مذکور در ۱۹ ماده و ۵ تبصره در تاریخ ۳۰/۸/۸۳ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده و برای اجرا به مراجع ذیربط ابلاغ گردید.

متن کامل دستورالعمل اجرائی بند ۱۵ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵/۲/۸۳

#### ماده ۱

برای نظارت بر حسن اجرای قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، « هیأت نظارت مرکزی» موضوع بند ۱۵ این قانون مرکب از اعضای شورای معاونان قوه قضائیه تشکیل می شود.

**تبصره ۱-** رئیس قوه قضائیه ریاست هیأت نظارت مرکزی را برعهده دارد و می تواند آن را به یکی از معاونان خود واگذار کند.

تبصره ۲- از سایر مسئولین ذیربط حسب مورد پس از موافقت رئیس قوه قضائیه دعوت به عمل می آید.

## ماده ۲

وظایف هیأت نظارت مرکزی به شرح زیر است:

(الف) نظارت بر حسن اجرای قانون یادشده در کشور و ایجاد رویه واحد؛

(ب) اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات؛

(ج) بررسی گزارش هیأتهای نظارت و بازرسی استان ها و ارزیابی چگونگی اجرای قانون؛

(د) اعزام گروههای بازرسی فوق العاده به دستگاههای مشمول این دستورالعمل؛

(ه) ارسال شکایتها و گزارشهای واصله به مرجع مربوط و پیگیری آنها تا رسیدن به نتیجه؛

(و) پیشنهاد تشویق و تنبیه براساس گزارش هیأتهای بازرسی؛

(ز) تهیه گزارش درخصوص روند اجرای قانون در کشور هر سه ماه یک بار؛

(ح) ارائه گزارش از چگونگی روند اجرای قانون هر ۶ ماه یکبار به مردم

### ماده ۳

دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی در حوزه دفتر رئیس قوه قضائیه تشکیل و دبیر هیأت از میان دارندگان پایه ۸ قضایی و بالاتر با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می شود.

**تبصره:** دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی نسبت به انتشار عکس و هویت نقض کنندگان حقوق شهروندی پس از قطعیت یافتن احکام آنان در رسانه های گروهی، جراید کثیرالانتشار و پایگاه (سایت) اطلاع رسانی اقدام می نماید.

### ماده ۴

در مرکز هر استان، هیأتی مرکب از حداکثر پنج نفر قاضی دادگستری، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دفتر بازرسی کل کشور و نماینده دادرسی انتظامی قضات بعنوان « هیأت نظارت و بازرسی استان» تشکیل می شود.

**تبصره ۱-** رئیس کل دادگستری استان ریاست هیأت نظارت و بازرسی استان را برعهده دارد. دبیرخانه این هیأت در حوزه ریاست کل دادگستری استان تشکیل می شود.

### ماده ۵

اعضای هیأت نظارت و بازرسی به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان، حسب مورد پس از هماهنگی با رئیسان مستقیم آنها با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می شوند.

#### ماده ۶

رئیس کل دادگستری استان با مشورت اعضای هیأت، برنامه نظارت و بازرسی دوره ای شش ماهه استان را تنظیم و به هیأت نظارت مرکزی اعلام می کند.

#### ماده ۷

رئیس هیأت نظارت و بازرسی استان اعضای هیأت را در گروههای دو یا سه نفره با حکم مأموریت به مراجع قضایی، انتظامی و سایر دستگاههای مشمول این دستورالعمل اعزام می نماید

#### ماده ۸

وظایف گروههای نظارت و بازرسی به شرح زیر است :  
الف) انجام بازرسیهایی که رئیس کل دادگستری استان به آنها محول می کند و تکمیل پرسشنامه هایی که به این دستورالعمل پیوست است

ب) رسیدگی به گزارشها و شکایتهای مربوط به قانون یادشده که رئیس کل دادگستری استان به آنها ارجاع می کند؛

ج) ارائه پیشنهاد تشویق و تنبیه و اصلاح روشها

#### ماده ۹

گروههای نظارت و بازرسی با حضور در محل مأموریت و

ملاحظه پرونده ها، دفاتر و پیشینه های قضایی و اداری، بازدید از بازداشتگاهها و زندانها و مصاحبه با افراد و بررسی اقدامهایی که به منزله ضابط قوه قضائیه انجام می شود، چگونگی حفظ و رعایت حقوق شهروندی را بررسی کرده و گزارش لازم را طبق مفاد این دستورالعمل تهیه می کنند.

#### ماده ۱۰

گروههای نظارت و بازرسی می توانند با کلیه افراد بازداشت شده و زندانی و سایر افرادی که لازم بدانند، ملاقات و مصاحبه کرده و از پرونده ها، دفاتر و تمامی پیشینه های قضایی و اداری مربوط به موضوع رونوشت و تصویر تهیه کنند.

#### ماده ۱۱

تعداد و چگونگی پرونده هایی که گروههای نظارت و بازرسی انتخاب می کنند، براساس روش آماری است که دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی تدوین و ابلاغ می کند.

#### ماده ۱۲

گروههای نظارت و بازرسی گزارش خود را در دو نسخه به رئیس کل دادگستری استان ارائه می کنند. رئیس کل دادگستری استان ضمن اتخاذ تدابیر لازم برای رعایت آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی و جلوگیری از نقض آن، یک نسخه از

گزارش را به دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی قوه قضائیه می فرستد.

#### ماده ۱۳

در صورتی که گروههای نظارت و بازرسی در جریان رسیدگی به گزارش یا شکایتهای ارجاع شده، از موارد دیگر نقض قانون یادشده آگاه شوند، باید مراتب را فوراً به صورت مکتوب به رئیس کل دادگستری استان گزارش کنند.

#### ماده ۱۴

گروههای نظارت و بازرسی در صورت مشاهده نقض آشکار حقوق شهروندی از قبیل بازداشت غیرقانونی، رفتار خشونت آمیز و تحقیر افراد به گونه ای که ادامه آن آثار جبران ناپذیری در پی داشته باشد، باید بی درنگ موضوع را حسب مورد به قاضی دادگاه یا دادستان مربوط اعلام کنند. اعلام گروه نظارت و بازرسی در این گونه موارد حکم گزارش موثق را داشته و مقامهای قضایی یاد شده مکلف به رفع اثر از نقض حقوق شهروندی اند.

#### ماده ۱۵

در صورتی که گزارش گروههای نظارت و بازرسی متضمن اعلام جرم یا تخلف انتظامی و اداری باشد، رئیس کل دادگستری استان حسب مورد موضوع را برای رسیدگی به مرجع قضایی یا اداری صلاحیت دار و یا دادستان انتظامی اعلام می کند. رئیس

کل دادگستری استان موضوع را تا حصول نتیجه و اعلام به هیأت نظارت مرکزی پیگیری می نماید.

**تبصره:** رسیدگی به موارد پیش گفته در مراجع قضایی و انتظامی با رعایت اولویت خواهد بود.

#### ماده ۱۶

دادیاران دادرسی انتظامی قضات، بازرسان قضایی سازمان بازرسی کل کشور، رئیسان حفاظت اطلاعات قوه قضائیه در استانها و هریک از قضات داسراها و دادگاهها که از نقض حقوق شهروندی به تناسب وظایف محوله آگاه شوند، موظف اند با قید فوریت رئیس کل دادگستری استان و یا هیأت نظارت مرکزی را با فرستادن گزارش کتبی آگاه کنند.

#### ماده ۱۷

تشکیل هیأتهای نظارت و بازرسی بر حقوق شهروندی مانع وظایف دادستانهای عمومی و انقلاب و نظامی از حیث نظارت بر عملکرد ضابطان نیست و دادستانها و قضات داسراها عمومی و انقلاب و نظامی موظف اند در صورت مشاهده نقض آزادیهای مشروع و حقوق شهروندی، طبق ماده ۱۴ این دستورالعمل اقدام کرده و رئیس هیأت نظارت و بازرسی استان را نیز به طور کتبی از موضوع آگاه کنند.

#### ماده ۱۸

در تهران، سایر مراکز استانها و شهرستانها، شعبه هایی از دادرهای عمومی و انقلاب و نظامی و دادگاههای جزایی عمومی، دادگاههای کیفری استان و دادگاههای نظامی را حسب مورد رئیس کل، دادستان و رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان برای رسیدگی به جرمهای موضوع این قانون تعیین می کنند و رسیدگی به پرونده های مربوط فقط در همان شعبه ها انجام می شود.

**تبصره:** رئیس کل دادگستری استان مشخصات این شعبه ها را به دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی ارسال می نماید.

#### ماده ۱۹

کلیه مراجع قضایی، انتظامی، اطلاعاتی، ضابطان قوه قضائیه، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و سایر دستگاههای ذیربط مشمول مقررات این دستورالعمل بوده و ملکف به رعایت و همکاری در اجرای آن اند.

#### ماده ۲۰

این دستورالعمل در ۱۹ ماده و ۵ تبصره به همراه سه پرسشنامه در تاریخ ۸۳/۸/۳۰ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده و برای اجرا به مراجع ذیربط ابلاغ می شود.



## منابع

### کتب

- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد اول؛ ۱۳۷۸
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد دوم؛ ۱۳۷۹
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد سوم؛ ۱۳۸۰
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد چهارم؛ ۱۳۸۱
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد پنجم؛ ۱۳۸۲
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد ششم؛ ۱۳۸۳
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد هفتم؛ ۱۳۸۴

## دیدارها

- دیدار با رئیس و معاونان و جمعی از پژوهشگران سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ ۷۹/۵/۱۸
- دیدار با قضات استان تهران؛ ۷۸/۸/۶
- دیدار با رئیس و معاونان سازمان بهزیستی؛ ۷۹/۴/۲۹
- دیدار با رئیس و اعضای هیئت ویژه بازرسی زندان‌ها؛ ۷۹/۷/۷
- دیدار با نماینده یونسف؛ ۷۹/۷/۱۲
- دیدار با جمعی از نمایندگان مجلس ۸۰/۱۲/۵
- دیدار با مجمع نمایندگان آذربایجان غربی؛ ۸۱/۸/۷
- دیدار با مجمع نمایندگان استان سمنان؛ ۸۱/۷/۱۰
- دیدار با اعضای مجمع نمایندگان استان خوزستان ۸۲/۲/۱۶
- دیدار با اعضای شورای شهر تهران؛ ۸۳/۳/۳
- دیدار با اعضای شورای شهر تهران؛ ۸۳/۳/۳
- دیدار با اعضای شورای شهر تهران؛ ۸۳/۳/۳
- دیدار با سفیر کشور بحرین؛ ۸۳/۵/۲۰
- دیدار با جمعی از کارگران و مسئولان تشکلهای کارگری؛ ۸۳/۲/۸

- دیدار با شهرداران کلان‌شهرهای کشور؛ ۸۳/۱۰/۲۷
- دیدار با شهرداران کلان‌شهرهای کشور؛ ۸۳/۱۰/۲۷
- دیدار با مسئولان قضایی و قضات استان زنجان؛ ۸۴/۳/۱۹
- دیدار با مسئولان قضایی و قضات استان زنجان؛ ۸۴/۳/۱۹
- دیدار با اعضای ستاد دیه ۸۴/۱۰/۶
- دیدار با مسئولان قضایی استان‌های کردستان و همدان؛  
۸۴/۹/۱۰

### سخنرانی‌ها

- سخنرانی در مراسم تجلیل از استادان و پژوهشگران همکار با سازمان زندانها؛ ۸۰/۲/۹
- سخنرانی در مراسم تجلیل از استادان و پژوهشگران همکار با سازمان زندانها؛ ۸۰/۲/۹
- سخنرانی در دیدار با اساتید و رؤسای دانشکده‌های دانشگاه تهران؛ ۸۳/۸/۱۷
- سخنرانی در شورای مدیران دادگستری استان تهران و معاونان قوه قضائیه؛ ۸۳/۱۱/۱۵

- سخنرانی در مراسم معارفه رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور؛ ۸۳/۵/۳۱
- سخنرانی در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی استان اصفهان؛ ۷۹/۸/۲۹
- سخنرانی در جلسه شورای اداری استان هرمزگان؛ ۸۱/۰۱/۲۸
- سخنرانی در همایش جایگزین حبس؛ ۸۱/۲/۱۸
- سخنرانی در دادگستری استان خراسان؛ ۸۱/۲/۲۲
- سخنرانی در دادگستری استان خراسان؛ ۸۱/۲/۲۲
- سخنرانی در جلسه شورای رؤسای کل دادگستری‌های سراسر کشور؛ ۸۱/۲/۵
- سخنرانی در جلسه شورای رؤسای کل دادگستری‌های سراسر کشور؛ ۸۱/۲/۵
- سخنرانی در جلسه شورای رؤسای کل دادگستری‌های استان‌ها؛ ۸۱/۵/۲۴
- سخنرانی در همایش قضات دادگستری استان تهران؛ ۸۱/۲/۱۲
- سخنرانی در جمع رؤسای مجتمع‌های قضایی تهران؛ ۸۱/۶/۱۲
- سخنرانی در جمع رؤسای مجتمع‌های قضایی تهران؛ ۸۱/۶/۱۲
- سخنرانی در جمع نمایندگان تشکل‌های دانشجویی؛ ۸۲/۹/۱

- سخنرانی در جلسه شورای معاونین دادگستری تهران ۸۲/۹/۱۲
- سخنرانی در جلسه شورای معاونین دادگستری تهران؛  
۸۲/۹/۱۲
- سخنرانی در دیدار از زندان اوین؛ ۸۳/۱/۱۹
- سخنرانی در همایش قضات دادگستری تهران؛ ۸۳/۲/۲۳
- سخنرانی در جمع سفرا و نمایندگی های ایران در خارج از  
کشور؛ ۸۳/۵/
- سخنرانی در جلسه رؤسای زندان های سراسر کشور؛ ۸۳/۹/۵
- سخنرانی در جلسه رؤسای زندان های سراسر کشور؛ ۸۳/۹/۵
- سخنرانی در جلسه رؤسای زندان های سراسر کشور؛ ۸۳/۹/۵
- سخنرانی در شورای استان بوشهر؛ ۸۳/۱۲/۱۳
- سخنرانی در همایش حاشیه نشینی و امنیت قضایی؛ ۸۴/۴/۴
- سخنرانی در جمع مسئولان قضایی اصفهان؛ ۸۴/۴/۱۶
- سخنرانی در همایش هفته قوه قضاییه؛ ۸۴/۴/۶
- سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه؛ ۸۴/۶/۲۴
- سخنرانی در نشست سالیانه دبیران کانون های دانشجویی؛  
۸۴/۰۹/۱۹

## مصاحبه ها

- مصاحبه اختصاصی با شبکه خبر در مورد اصلاحات و تحولات در قوه قضائیه؛ ۸۳/۳/۱۳
- مصاحبه در پایان سفر به استان فارس تاریخ: ۸۲/۳/۸
- مصاحبه مطبوعاتی در پایان سفر به اصفهان؛ ۷۹/۹/۱
- مصاحبه بعد از دیدار با مردم؛ ۸۳/۶/۴
- مصاحبه در پایان دیدار مردمی؛ ۸۳/۲/۱۰

## سایت ها

- <http://afarineshdaily.ir/afarinesh/News>
- <http://farsi.khamenei.ir>
- <http://hamshahrionline.ir>
- <http://isas.tv>
- <http://mardomsalari.com>
- <http://rc.majlis.ir/fa/law>
- <http://vekalat.org>

- <http://www.abcnews.ir>
- <http://www.alef.ir>
- <http://www.asriran.com/>
- <http://www.dadsetani.ir>
- <http://www.ensani.ir>
- <http://www.fardanews.com/>
- <http://www.hawzah.net>
- <http://www.iranclubs.org/forums/archive>
- <http://www.khabaronline.ir>
- <http://www.noormags.com>
- <http://www.prisons.ir>
- <http://www.sid.ir>
- <http://www.tabnak.ir/>
- <http://www.jamejamonline.ir>
- <http://www.jamejamonline.ir>





# فهرست



۵.....	سخن ناشر
۷.....	حقوق شهروندی، حقوقی همه جانبه
۱۰.....	همه قوا مسؤول حفاظت از حقوق شهروندی اند
	حقوق شهروندی نباید در تشریفات اداری، انتظامی، امنیتی و
۱۱.....	قضایی پایمال شود
۱۳.....	هیچ کس در بازداشت انفرادی نباشد
۴۱.....	دین اسلام حافظ حقوق مردم
۱۵.....	قانون اساسی حافظ حقوق شهروندی
	ساختارهای قضائی، انتظامی و امنیتی باید به گونه ای تنظیم شود و
۶۱.....	شکل گیرد که حقوق شهروندی را در جامعه تضمین کند
۱۷.....	ممنوعیت شکنجه
۸۱.....	اصل دفاع متهم از خود
۲۰.....	حق دفاع طرفین دعوا
۲۲.....	حقوق شهروندی حاشیه نشینان
۲۳.....	ضعف در مراحل جلب و بازجویی و تحقیقات
۲۴.....	لزوم جبران ضرر و زیان در صورت خطای مقام قضایی
۲۵.....	ضرورت اهتمام به حفظ مالکیت خصوصی
۲۶.....	لزوم حفظ کرامت انسان ها

- ۳۱..... رعایت حقوق شهروندی باید فرهنگ شود
- ۳۲..... حمایت از حقوق شهروندی منجر به ایجاد امنیت می شود
- ۳۳... اجرای مجازات قانونی وظیفه ی دستگاه قضایی نه بیش از آن
- ۳۴ رعایت حقوق شهروندی باید در صدر اهداف قوه قضائیه قرار گیرند
- ۳۵..... اقتدار مقام قضایی وابسته به رعایت حقوق شهروندی
- ۶۳..... ارزیابی همه جانبه رعایت حقوق شهروندی
- ۳۶ رعایت اصل تساوی سلاح ها مصداق بارز رعایت حقوق شهروندی
- ۷۳..... تهاجم علیه رعایت حقوق شهروندی
- ۳۸..... نهادهای مردمی باید در زمینه حقوق شهروندی فعال شوند
- ۳۸ محکوم کردن ایران به خاطر حقوق شهروندی جنبه ی سیاسی دارد  
باز بودن باب اجتهاد و ضرورت پاسخگویی به شبهات مطرح شده
- ۲۴..... در خصوص حقوق شهروندی در نظام اسلامی
- ۴۵..... حفظ حقوق و کرامت انسانی در فقه اسلام
- ۶۴..... ضرورت عزم ملی در حفظ حقوق و کرامت انسانی
- ۴۷..... نقش شهرداری ها در حفظ حقوق شهروندی
- ۴۸..... ضرورت هماهنگی دستگاهها و نهادها در حفظ حقوق شهروندی  
عمل به اصول اساسی فقه اسلام و تلاش برای احقاق حقوق مردم
- ۱۵..... تضمینی برای رعایت حقوق شهروندی  
نظام قضایی اسلام دقیقترین و برترین نظام قضایی در تحقق
- ۵۳..... عدالت قضایی و حفظ حقوق بشر
- ۵۴..... توجه ویژه شهرداری ها به حقوق شهروندی
- ۵۶ سیاست های کلان شهرداری ها در راستای حفظ حقوق شهروندی
- ۷۵..... توسعه روزافزون حقوق شهروندی

۵۸.....	مفهوم حقوق شهروندی در معنای عام
۵۹.....	مفهوم حقوق شهروندی در معنای خاص
۶۱.....	برخی جلوه‌های حقوق شهروندی در قوانین ایران
۷۰.....	وظیفه قاضی جلوگیری از تضییع حقوق مردم
	اهمیت ملاقات‌های مردمی از حیث ایجاد حق و اعاده حق به
۷۲.....	صاحب آن و حفظ حقوق شهروندی
۷۳.....	حقوق شهروندی نباید قربانی امنیت شود
۳۷.....	تضییع حقوق شهروندی در تشریفات اداری و اجرایی
۷۵.....	تقسیم بندی حقوق شهروندی
۷۷.....	اهمیت نقش شوراها در حفظ حقوق شهروندی
۸۰.....	بهداشت قضایی تضمین کننده رعایت حقوق شهروندی
۱۸.....	دادستان مدعی العموم مردم و مدافع اصلی حقوق شهروندی
۶۸.....	ضرورت اهتمام بیشتر دادسراها در پاسداری از حقوق شهروندی
۸۹.....	مصون دانستن مسئولان از انتقاد، حقوق شهروندی را قربانی می‌کند
۹۰.....	وقتی که شعار حقوق شهروندی می‌دهیم باید به آن عمل کنیم
۹۲.....	پیوست
۹۲.....	قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۹۲.....	متن کامل قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
	دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و
۹۶.....	حفظ حقوق شهروندی
۱۰۵.....	منابع
۱۱۳.....	فهرست

